

چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر منتخب امام سقوط کرد؟

تسخیر سفارت آمریکا بیانگر این واقعیت است که لااقل یک جناح از روحانیت نمی تواند تنها به اتکای تخیلات و آپس گرای خود و بدون توجه به خواست ها و تمایلات پایگاه طبقاتی اش روی حمایت

خرده بورژوازی حساب کند.

در صفحه ۱ ضمیمه

همانگونه که سازمان ما
پیش بینی کرده بود
مصوبات مجلس
به اصطلاح
خبرگان ارتجاعی تر
از پیش نویس
قانون اساسی است

سازمان ما در جریان انتخابات
مجلس خبرگان چند روزنامه "کار"
و چند در بیانیه ها و جمعیات و
سخنرانی ها، قاطعانه اصول
ارتجاعی پیش نویس قانون اساسی
را افشای کرده بود و به ارتجاعی تر

بقیه در صفحه ۷

انقلاب کبیرا کتبر به منزله آغاز و مقدمه انقلابات پرولتری سراسر جهان



تسخیر سفارت آمریکا

استاندار خوزستان سس ساواک را بازی میکند؟ دربدار مدنی دستور داده است شورای اسلامی کارکنان سدکو سداوران را منحل کنند

کارکنان مبارز سدکو سداوران:
«تا آخرین قطره خون خود از (شورا) پشتیبانی می کنیم»

در صفحه ۲

۷ نوامبر (۲۵ اکتبر) مصادف
است با انقلاب کبیرا کتبر، ما این روز
تاریخی را به پرولتاریا و تمام
زحمتکشان تبریک می گوئیم.
انقلاب کبیرا کتبر سوسیالیستی اکتبر
سراغاز فصل نوینی در تاریخ
بشریت، در رسالت تاریخی
پرولتاریا و در نجات انسان ها از
بوغ بتدگی، بردگی و استثمار است
۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ روزی است که
بقیه در صفحه ۱۱

اقدام انقلابی دانشجویان در مورد حل مساله مسکن

هفته گذشته دانشجویان که پس
از مدت ها مراجعه به مسئولین
دانشگاه از حل مساله مسکن و تامین
خوابگاه برای خود نا امید شده بودند
با یک اقدام انقلابی هتلهای را که
سر مایه داران فراری باجیاول و
بقیه در صفحه ۳

بانکها همان بانکهای استثمارگر هستند و مدیران آنها همان مدیران وابسته به رژیم سابق

در حالی که چند ماه از
تبلیغات پرهیا هوومیان تهی
دولت درباره ملی کردن بانکها
می گذرد، امروزه تنها برای کسانی
که مختصرا اطلاعی از مسائل
اقتصادی و سیاسی دارند، بلکه
برای توده های مردم نیز مشخص
شده که "ملی کردن بانکها"
فربیش پیش نبوده است.
تو فریب که هدفش تامین شافع
و استکان به امپریالیسم و بورژوازی
کمپرادور بوده است. امروز ماهیت
بقیه در صفحه ۲

جنبش دمکراتیک خلقهای ایران و مساله بلوچستان

در صفحه ۵

شوراهای کارگری و مساله وابستگی در کارخانجات

شورای کارگری
هر مرجعی سعی دارد از طریق پاس دادن و کاغذ بازی ما را دست
بسرکند و خسته مان نماید. ما تاکنون تمام مراحل قانونی را
پشت سر گذاشته ایم، اما اکنون به این نتیجه رسیده ایم که باید
تنها به قدرت خودمان متکی باشیم.
در صفحه ۳

در پیرامون وظایف هواداران

رفقا! ما از قیام شکوهند خلقهای زحمتکش و قهرمان میهن ما می گذرد.
هر کدام از ما، اینک با کوله باری از تجربه های تازه و بار و باره گذشته
می نگریم. فقدان صف مستقل طبقه کارگر و سازمان سیاسی سراسری آن
ما تم از اعمال اراده تاریخی کارگران در جنبش عظیم ضد امپریالیسم و
دمکراتیک میهن ما شد. این عامل تعیین کننده در شکست انقلاب ایران
بود. چنین شرایطی بود که به روحانیت امکان داد با بر خود داری از
تشکیلات سنتی - مذهبی و با بهره گیری از اعتقادات مذهبی،
توده های وسیع مردم به منظور تشکیل "جمهوری اسلامی" بسیج
نماید.

روحانیت تا قبل از انقلاب مضمون اصلی "جمهوری اسلامی" یعنی
ولایت فقیه را از توده ها پنهان ساخت و همین امر نقش موثری در تاسیس
همونی آن بازی کرد. اینک کارگران و زحمتکشان ۹ ماه تجربه را
پشت سر گذاشته اند و در حال کسب تجربه های تازه تری به سر می برند.
بحران اقتصادی دا منگسترده ای یافته است. تضادهای درونی
هیئت حاکمه هر روز حدت بیشتری می یابد، خزیدن لیبرالها بر ای
تسخیر مواضع قدرت سیاسی از یک طرف و اقدامات تنگ نظرانه
طرفداران "ولایت فقیه" از سوی دیگر به بحران سیاسی جامعه دامن
می زند و متقابلا ناتوانی کل حاکمیت را در مقابله با بحران همه جانبه
جامعه، افزون و افزونتری سازد.
بر چنین زمینه ای است که طرفداران ولایت فقیه که نمی توانند به
بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

توطئه ای که علیه یکی از اعضای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طراحی شده بود

«رحالته رفیق ما در جنگ با سداوران اسیر بود و در
مخفیگاهی نزدیک پارک شهر تهران زندانی شده بود،
رژیم حاکم با استفاده از شیوه های قبلی ساواک
اعلام کرد او را "دمکراتها" در راه بوکان ربوده اند.»
در صفحه ۸

گزارشی از اعتصاب فاسترویلر - تهران جنوب وابسته به صنایع فولاد اهواز اعتصاب، تظاهرات و راهپیمائی

کارگران مبارز و متحد فاسترویلر
علیه شورای فرمایشی کار فرما
در صفحه ۶

تشکیل اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا گام بزرگی در جهت تقویت و استحکام شوراهای دهقانی

بنا به دعوت اتحادیه های دهقانی و به منظور تصمیم گیری پیرامون
مسائل ارضی و چگونگی کشت روی زمینهای که سرسپردگان شاه سابق
به زور از دهقانان گرفته بودند، هشتمین کنگره شورای ترکمن صحرا
تشکیل شد.
بقیه از صفحه ۴

چگونگی برگزاری انتخابات دمکراتیک شورای شهر ترکمن صحرا بیانگر آگاهی انقلابی خلق ترکمن است

فتریون انحصار طلب شیوه برخورد انقلابی خلق ترکمن را ببینند و
درس بگیرند! هر چند که ماهیت ارتجاعی شان این اجازه را به آنها نخواهد داد

* اعضا و شورای شهر گنبد و قتی
دیدند هیچ از اهالی غیر ترکمن در
شورا انتخاب نشده اند. به منظور
حفظ وحدت و همبستگی و طبق تصمیم
شورا سه نفر از اعضای شورا استعفا
نموده و جای خود را به اهالی غیر
ترکمن دادند. مرکز هماهنگی
شوراهای محلی گنبد اعلامیه ای در
این زمینه منتشر کرد.
بقیه در صفحه ۵

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بانکها همان بانکهای استثمارگر هستند و مدیران آنها، همان مدیران وابسته به رژیم سابق

بقیه از صفحه ۱

دولتی کردن بانکها و انگیزه هاشو که موجب اتخاذ چنین تصمیمی شد به روشنی مشخص شده است.

کنفرانس اقتصادی دولت در اوایل خردادماه گذشته و مطالبی که از جانب مقامات مختلف اقتصادی و سیاسی در این کنفرانس اظهار شد پرده از بسیاری اقدامات و حرکتها و برنامه های دولت برداشت.

مصاحبه ها و سخنرانی های محمد علی مولوی رئیس کل بانک مرکزی در نخستین ماههای انقلاب و پرداخت ۳۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال به بانکهای خارجی که سهامشان به اصطلاح ملی شده، جایگاهی مدبران عامل و روسای سرسپرده بانکها (که عموماً از وابستگان رژیم سابق و از عوامل دست آموخته موسسات مالی بین المللی آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، ایتالیایی و ژاپنی هستند) کمکهای چند میلیاردی دولت به بانکها و سرمایه گذاران وابسته تسهیل حاکمیت موجود به بازگشت سرمایه داران فراری و اطمینان خاطر دادن به آنها، افزایش و وسع تضعیف بهره و امیای مردم زحمتکش و دهها صدها قسده امضای دیگر نشان دهنده تامین منافع سرمایه داری وابسته و بازگرداندن جامعه به وضع گذشته

است. هدف افزایش این لیست افشای اسامی و سمتهای مدیران و مسئولان طراز اول بانکها است که قاعدتاً می بایست بیشتر مسئولیت و سهم را در درگرونی نظام بانکی کشور داشته باشند. همانطور که ملاحظه می شود تمامی مدیران فعلی بانکها همان روسا و مدیران وابسته پیشین هستند و تقریباً می توان گفت هیچگونه تغییری حتی سطحی و قشری نیز انجام نگرفته است. در بسیاری از بانکها بعضی اعضا هیئت مدیره سابق کماکان ایفا شده و سرمایه شان محفوظ مانده است، همچنین بعضی از مدیران عامل بانکها سبها مدار و با عضویت سابق در بانکها و دیگر هیئت مدیره مدبران وابسته بانکها در شرایطی انجام می گیرند که با شرایط کارکنان بانکها مبارزه می شود و اعضا آنها از کار اخراج می شوند.

(به عنوان نمونه برکناری و تعلیق ۶ تن از اعضا شورای بانک بین المللی ایران) همچنین کوچکترین تعدیلی در شرایط و امیای بانکهاش بهره بانکها انجام نگرفته است و اقساط بانکی خود را که تا چهار برابر پول دریافتی می رسند بهر دارند.

نام بانک	نوع بانک و سرمایه گذاری	نام مدیران فعلی	سمت قبلی مدیران (قبل از انقلاب)
۱- بانک ملی ایران	دولتی - تجاری	خلیل ترکا	مدیرعامل قبل از انقلاب - عضو شورای پول و اعتبار و وابستگان رژیم سابق
۲- بانک متری ایران	دولتی - تجاری	محمد علی مولوی	رئیس کل ادارات و وابستگان رژیم سابق
۳- بانک پارسی	مختلط - تجاری	گرسائی	رئیس کل ادارات و وابستگان رژیم سابق
۴- بانک صادرات	مختلط - تجاری	علی انصاری	مدیرعامل بانک صادرات
۵- بانک تهران	مختلط - تجاری	حسن الشیبی	مدیرعامل بانک صادرات و قائم مقام
۶- بانک رفاه	دولتی - تجاری	سعود امیری	مدیرعامل بانک قبل از انقلاب
۷- بانک کارگشایی	دولتی - تجاری	حیدری	مدیرعامل بانک قبل از انقلاب
۸- بانک توسعه صنعتی و معدنی	مختلط - تجاری	غلامرضا ملام	مدیرعامل بانک توسعه سرمایه گذاری
۹- بانک توسعه سرمایه گذاری	مختلط - تجاری	ابرج آرزوم	مدیرعامل بانک ایران و ژاپن
۱۰- بانک توسعه کشاورزی	دولتی - تجاری	نعمت الله عطیسی	قائم مقام همین بانک قبل از انقلاب
۱۱- بانک راه کارگران	دولتی - تجاری	سید محمد موسوی	مدیرعامل بانک قبل از انقلاب
۱۲- بانک ایرانمیان	مختلط - تجاری	کریم آبادی	رئیس ادارات و وابستگان همین بانک
۱۳- بانک تجارت	مختلط - تجاری	علی رشیدی	مدیرعامل بانک قبل از انقلاب
۱۴- بانک پارسی	مختلط - تجاری	تیمسار ستار	مدیرعامل بانک قبل از انقلاب
۱۵- بانک سپه	دولتی - تجاری	تیمسار موسوی	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۱۶- بانک تجارت خارجی	مختلط - تجاری	آزیزت کاشانی	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۱۷- بانک تجارت ایتالیا	مختلط - تجاری	اسدالله فرسی	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۱۸- بانک تجارت آمریکا	مختلط - تجاری	فرهت خورشید	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۱۹- بانک تجارت فرانسه	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۰- بانک تجارت آلمان	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۱- بانک تجارت ژاپن	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۲- بانک تجارت انگلیس	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۳- بانک تجارت روسیه	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۴- بانک تجارت چین	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۵- بانک تجارت هند	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۶- بانک تجارت پاکستان	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۷- بانک تجارت فیلیپین	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۸- بانک تجارت اندونزی	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۲۹- بانک تجارت مالزی	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۳۰- بانک تجارت تایوان	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب
۳۱- بانک تجارت هنگ کنگ	مختلط - تجاری	اسماعیل انصاری	مدیرعامل همین بانک قبل از انقلاب

استاندار خوزستان نقش ساواک را بازی می کند

در یادار مدنی دستور داده است شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران را منحل کنند

کارکنان مبارز شرکت سدکو سد ایران:

«تا آخرین قطره خون خود از (شورا) پشتیبانی می کنیم»

رژیم سابق و ساواکی ها در مقام های خود نگه دارد و قدمی هم در جهت تصفیه و پاکسازی شرکت که از ابتدای ترین خواستهای کارکنان شرکت بوده است، برندارد و الا ایشان بانگرتانی و وحشت نمی نوشتند "تا آنجا که حتی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان می کند".

ای آقای دکتر سیداحمد مدنی به همین قناعت نکرده است و قلدری و استبداد خود را در فرمان کامل بروز داده و نوشته است:

"از این جهت برای اینکامور در آن شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد سازمان های غیرمسئول در امور شرکت جلوگیری به عمل آمده باشد، بدینوسیله انحلال شورای کارکنان شرکت تشکیل یافته بود، اعلام می گردد و از این تاریخ هیچ کس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد. . . هرگاه از این تاریخ تا بدین تاریخ اقدام به فعالیت در این شرکت اعلام و این قبیل افراد را با نام معرفی فرمائید.



استاندار خوزستان

۳۵۹۱۴
۱۳۵۸/۱۱/۱۷

سرپرستی ملیات شرکت سدکو سد ایران

بموجب سوابق مربوط در استان خوزستان در شرکت تشکیل یافته بنام شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران که این شورا در امور شرکت فعالیت می نماید تا آنجا که جتنی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان نمیکند.

چون در اجرای احرام باید بدین شرح مسئولان و مدیران تمام سازمانهای دولتی و مؤسسات دولتی و غیردولتی خود را معین و در اختیار داشته باشند و از این جهت برای اداره هر چه بهتر کارهای این سازمانها استفاده نمایند و افراد غیرمسئول در زیربان کارها حق دخالت و تصمیم گیری نداشته باشند از این جهت برای اینکه امور در شرکت روال عادی داشته باشد و از دخالت افراد و سازمانهای غیرمسئول در امور شرکت جلوگیری بعمل آمده باشد. بدینوسیله انحلال شورای کارکنان شرکت تشکیل یافته بود اعلام میگردد و از این تاریخ هیچکس تحت هیچ نام و هیچ عنوان به اسم شورا حق دخالت در امور شرکت را ندارد.

خواهشمند است مراتب را به افراد به نام شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران در این شرکت در دخالت بگیرند این تاریخ از این تاریخ این دخالت را ادامه نماند چنانچه را به استاندار این اعلام و این قبیل افراد را با نام معرفی فرمائید.

دکتر سیداحمد مدنی
استاندار خوزستان

اما کارکنان مبارز شرکت که در اثر مبارزات چندین ماهه خود در این شورا متشکل شده اند قاطعانه قلدری آقای مدنی را جواب دادند و فرمای آن روز در کرد همای خود با صدور قطعنامه ای "پشتیبانی راسخ و قاطع خود را تا آخرین قطره خون از شورا" اعلام داشتند و بار دیگر به تیسار دریا سالار نشان دادند که مقاومت در مقابل خواست توده ها جز شکست و خواری حاصلی نخواهد داشت. بقیه در صفحه ۴

مدتهاست که دستگاه تبلیغاتی رژیم می کوشد از تیسار دریا سالار دکتر سیداحمد مدنی استاندار خوزستان چهره ای ملی و مردمی بسازد و سپس به وی نقش رضاخانی دیگری بسپارد. بطوری که برود یوار شهرها و بر صخره کوهستانها شعارها و پوسترهایی نصب شده است که وی را رئیس جمهور آینده ایران معرفی می کند و رادیو - تلویزیون آقای قطب زاده و مطبوعات اسلامی شده، مکرر در مکرر از شاهکارهای ایشان در ایجاد نظم و آرامش در خوزستان که در حقیقت سرکوب و حشایش خلق عرب است، صحبت می کنند. اما چهره واقعی این "تیسار دریا سالار" کاملاً مغایر با این تبلیغات است.

برای روشن شدن چهره واقعی آقای دکتر سیداحمد مدنی استاندار خوزستان، به فرمانی که ایشان در تاریخ ۱۷ مهرماه ۵۸ به سرپرستی عملیات شرکت سد ایران صادر کرده اند و در این سند نیز چاپ می شود توجه کنیم. ایشان در این فرمان قاطعانه و مصممانه و بهتر است بگوئیم قلدرانه در مقابل شورا قرار گرفته اند و نوشته اند:

"بموجب سوابق موجود در استاندار خوزستان در آن شرکت تشکیل یافته به نام شورای اسلامی کارکنان سدکو سد ایران که این شورا در امور شرکت فعالیت می نماید تا آنجا که جتنی اقدام به اخراج پاره های از کارکنان می کند".

لایحه تیسار دریا سالار انتظار داشته اند که شورای به وجود آمده همه سرسپردگان و کارگزاران



شوراهای کارگری و مساله وابستگی در کارخانجات

مسئله وابستگی کارخانجات از جمله مسائلی است که بعد از قیام بهمن ماه، در کارخانجات و مراکز کارگری همواره مشکل اساسی شوراهای کارگری بوده است. گزارش زیر که خلاصه گزارش حرکت یک شورایی پیشرو کارگری است به خوبی نمایانگر این مشکل می باشد.

کارفرمای این کارخانه که قبلاً از قیام بهمن ماه به خارج گریخته بود، پس از قیام از طریق مدیر معاونینش قصد تعطیل کارخانه را داشت که با عکس العمل جدی کارگران مواجه می گردید و کارگران که از این تصمیم می گشتند، "ما جلوی کارفرما را خواهیم گرفت و او را دیکره کارخانه راه نمی دهیم و هر چه تا بحال مسارا چاییده به زنجیر کشیده، سیاست سبب با تلاش کارگران آگاه و پیشرو و توضیح ضرورت همبستگی و اتحاد از طرف کارگران شورای کارگری کارخانه با نماینده (۲) کارمند و ۶ کارگر) برای اداره و کنترل کارخانه تشکیل می شود. شورا با فاصله دست به تصفیه عناصر ضد کارگری جاسوس زدگانه این عمل موجب جلب حمایت و پشتیبانی بیشتر کارگران گشت. یکماه بعد کارفرما که از پشتیبانی دولت مطمئن شده بود برای تصاحب مجدد کارخانه باز می گردید و کارگران را تهدید می کند. "شما حق نداشتید کارخانه را بدون اجازه من راه بیندازید و من علیه شما شکایت می کنم" کارگران و شورای کارخانه و آری بیرون می کنند و میگویند "ما دیکره نتوانستیم نذاریم". کارخانه یکماه دیگر بدون وجود کارفرما توسط شورا اداره می شود و عواید فروش بطور مساوی بین کارگران تقسیم می گردد. در طی این مدت مواد اولیه هنوز موجود بود ولی پس از آن به این علت که مواد اولیه نبود کارخانه از آلمان می بایست وارد می شد، شورا موفق نمی شود مسئله را حل کند و بدینجهت تضعیف می شود و کارفرما که منتظر چنین فرصتی بود با همکاری سخنرانانی از حزب جمهوری اسلامی خواستار انحلال شورای کارگری و تشکیل یک شورای مشورتی می شود. اما کارگران در این شورا شرکت نمی کنند.

چند روز بعد "شورای مشورتی" به بهانه تصفیه عناصر خلالگر سعی به اخراج اعضای مترقی شورای فیلدنی می کند که با مقاومت کارگران مواجه می شود. بعد از این کارفرما و شورای مشورتی "دست به حیلای دیگر می زنند و قرار می گذارند که کالاهای ساخته شده را کم از کارخانه خارج کنند و پس از یکی دو ماه با اعلام ورشکستگی کارگران را اخراج کنند که توسط عناصر آگاه این توطئه افشا شده و بدینال آن کارگران تصمیم به تشکیل مجدد شورای واقعی خود می گیرند و بدینال آن کارفرما با مراجعه به کمیته ها و وزارت صنایع و معادن حکمی به این شرح دریافت می کند. "کارفرما میتواند هر کس را که نخواهد بناز خرید کند" که با مراجعه مکرر کارگران، وزیر پاسخ می دهد. "من این نامه را نوشتم و نامه دیگری نمیتوانم بنویسم شورا این مسئله را برای کارگران مطرح می کند و ما به این تصمیم وزیر را برای کارگران توضیح می دهد.

در این زمان شورا تصمیم می گیرد دست به عمل قاطع تری بزند و برای بدست گرفتن و کنترل کامل کارخانه یک قطعه نامه ۱۲ ماده ای صادر کرد و در برای کارگران توضیح می دهد. "در شرایطی قرار داریم که هر مرجعی سعی دارد از طریق بی اساس دادن و گاذبازی ما را دست بسر کند و خسته مان نماید. ما تاکنون تمام مراحل قانونی را پشت سر گذاشته ایم اکنون زمان نرسیده که به قدرت خود مان متوسل شویم تا به خواست خود دست پیدا کنیم. با موافقت کلیه کارگران، آنها در نمايشگاه و فروشگاه کارخانه متحصن شده و تصمیم به یک تحصن بلندمدت می گیرند و شعارهای برادر محمل تحصن نصب می کنند.

زنده باد کارگران که با خون خود درخت انقلاب را آبیاری کردند دست امیرالایم جهانی را از کارخانه کوتاه کنید بعد از آن شورا به کار خود و کنترل کارخانه ادامه داد و دو کلیه در آمد فروش را به نسبت مساوی تقسیم می کنند. ولی مشکل وابستگی همچنان لا ینحل مانده است.

اگر به شعار رفقای کارگران "دست امیرالایم جهانی را از کارخانه کوتاه کنید" یادقت توجه کنیم ضروری خواهد بود که سؤال کنیم رفقای کارگر. دست امیرالایم جهانی را چگونه و چه کسی می تواند از کارخانه کوتاه کند؟

حل قطعی مسئله وابستگی واحد های تولیدی جدا از کل مسئله وابستگی اقتصادی و سیاسی جامعه امیرالایم نیست و این امر در سطح واحدهای منفرد تولیدی امکان پذیر نخواهد بود و تنها از راه یکی کردن کلیه واحدهای تولیدی وابسته و سیردن کنترل آنها به دست شوراهای قدرتمند کارگران حل می گردد. آیا دولت جاسوسی سرمایه داران هرگز به چنین اقدامی دست خواهد زد؟ آیا ممکن است سرمایه داران منافع خود را زیر پا نهند و با قطع کامل وابستگی و سپردن قدرت به دست شوراهای واقعی کارگری از منافع بیکران خود چشم پوشند؟

با اعتقاد ما این امر تنها و تنها توسط دولتی امکان پذیر است که نماینده واقعی کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان شهر و روستا باشد و چنین دولتی را نه سرمایه داران بلکه کارگران با همکاری سایر زحمتکشان شهر و روستا تشکیل خواهند داد.

بدین دلیل است که ضرورت اتحاد و همبستگی سراسری کارگران مطرح می گردد و ادامه مبارزه هر شکل کارگری در یک کارخانه در گرو پیوند آن با دیگر شکل های کارگری و تشکیل اتحاد سراسری کارگران ایران در ارتباط با پیشروان طبقه به منظور پیشبرد مبارزه علیه سرمایه داری و امیرالایم ضرورت می یابد. پس شعار رفقای کارگر بایست این می بود.

در اتحاد با کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا دست امیرالایم جهانی را از کارخانه ها کوتاه کنید

بازگشائی خانه کارگردست کارگران بیکار

تحقق خواستهایمان مبارزه خواهیم کرد "سخنران به پاسداران هشدار داد که خانه کارگران تا ساعت ۲ مهلت دارند ترک کنند و هنگامی که پاسداران جهت ارباب کارگران با ز ۳ در مقابل کارگران ظاهر شدند، کارگران متشکل و یکپارچه در ساعت مقرر وارد خانه کارگر شده و پاسداران که قادر به هیچگونه مقاومتی نبودند مجبور به ترک آنجا شدند.

بدین ترتیب حرکت متشکل کارگران بیکار در اولین گام با موفقیت به انجام رسید. اما این پیروزی تنها امکان تجمع کارگران را جهت همگامی هر چه بیشتر آنان فراهم خواهد ساخت و کارگران بیکار که بخوبی در یافته اند مذاکره و گفتگو هیچ دردی از دردهایشان را درمان نمی کند به چاره جوئی بنیانی این مسئله خواهند پرداخت.

عج جنکیدیم و خون دادیم، اما هنوز بیکاریم. در مسیر راهپیمائی جمع محدودی از عناصر مترجم و ضد کارگر قصد حمله و تلافی صغوف آنان را داشتند که کارگران با بی اعتنائی و بیخودن درگیری از نزدیک آنان گذشتند. در مقابل خانه کارگر شعار "خانه کارگر، سنگز حمتکشان آزاد بایست گردد" چندین بار تکرار شد و یکی از نمایندگان کارگران طی سخنانی از شرایط همواره سخت زندگی کارگران و شرکت فعالانه آنان در قیام جهت دگرگونی بنیادی وضعیت موجود سخن گفت، آنگاه یکی از کارگران ضرورت تشکیلات و تشکل کارگران را جهت مبارزه با علل و عوامل اساسی بحران و بیکاری بر شمرده و خاطر نشان ساخت که دولت هرگز به خواستهای برحق کارگران توجهی ندارد و با وعده و وعید سعی دارد آنان را به صبر انقلابی دعوت نماید سپس افزود. "صبر انقلابی بی پایان رسید، ما حمتکشان را خواهیم و برای

روز شنبه پنجم آبان ماه راهپیمائی کارگران بیکار بود که ماهیست به اشکال مختلف خواستار اشتغال اند، راهپیمایان از وزارت کار به طرف خانه کارگر به حرکت درآمدند. این راهپیمائی که در ابتدا از صغوف دهها کارگر بیکار تشکیل شده بود در مسیر حرکت گسترش یافت و در پیله های بیکار نیز با حمل پلاکارهایی اعلام پشتیبانی نموده، به صغوف کارگران پیوستند. کارگران با مشت های گره گرده شعارهای زیر را تکرار می کردند.

۱- خانه کارگر، سنگز حمتکشان آزاد بایست گردد.

۲- ریشه های بیکاری نابود بایست گردد.

۳- زن و بچه گرسنه صبر سرش نمیشه - دولت سرمایه دار حرف سرش نمیشه.

۴- اتحاد، اتحاد علیه سرمایه دار.

۵- کار برای کارگر - جهاد سازندگیست.

نقل از راه سرخ
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شاخه تبریز

اعتصاب کارگران سیمان صوفیان

بایروزی به پایان رسید

۱۰۰ تومان اضافه حق مسکن. بیکار چه خود را با موفقیت به پایان برسانند. بقول یکی از کارگران "اتحاد و یکپارچگی همه کارگران کارخانه ضامن پیروزی این اعتصاب بود."

مزبور رفته و به موضوع رسیدگی نماید کارگران باری دیگر قاطعانه خواسته های خود را مطرح کردند و سرانجام توانستند به بیشتر خواسته های خود از جمله:

۱- دریافت ماهی تفاوت افزایش حقوق به میزان ۸۱ تومان.

۲- ۲۰ تومان حق خواروبار.

کارگران سیمان صوفیان ضمن اعلام اعتصاب بیکار چه در تاریخ ۳ مهر ۵۸ تا روز یکشنبه ۸ مهر به دولت مهلت داده بودند تا خواسته های آنها را برآورده کند. ادامه اعتصاب متحد کارگران استان آذربایجان شرقی را مجبور ساخت تا در تاریخ ۸ مهر به کارخانه

اقدام انقلابی دانشجویان در مورد حل مساله ...

وسایله ای برای نیات انحرافی خود بهره جویند، می خواهند مسئله مسکن را با هر و جنجال به جاها کسی بکشاند که مانند دیگر اقدامات حاد به جویند خویش بهانه ای برای حمله گروه های راست انحصار طلب به جنبش حق طلبانه جوانان ایجاد کنند. (اعلامیه مورخ ۵/۸/۵۸) البته چنین موضعی از سازمانی که خود را وابسته به حزب توده می داند به هیچ وجه عجیب نیست چرا که آنها در صد مبارزه نیستند و به تنها چیزی که می اندیشند این است که بهر عنوان و بهر قیمتی که شده امکان فعالیت آزاد و علنی داشته باشند و این راهم با محکوم نمودن هر عمل انقلابی و حمایت و مجیز گوئی از حاکمیت جامعه عمل می پوشانند. ماضن تا بید و پشتیبانی صمیمانه از حرکت دانشجویان انقلابی و خواستهای اصولی آنان، این حرکت رانه در برابر خواست توده ها، بلکه در کنار آن و به عنوان جزئی از حرکات عمومی خلق برای تحقق مطالبات خویش و از جمله مسئله مسکن دانسته و معتقدیم که دولت باید هر چه زودتر خواستهای دانشجویان را برآورده سازد

هر چند انتقاداتی بر آن وارد ساخت بجز انجمن اسلامی دانشجویان و ساوان جوانان و دانشجویان دمکرات که ماهیت آنها بر همگان آشکار است، همه انجمن ها و سازمانهای دانشجویی از این اقدام دانشجویان پشتیبانی کردند. سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات که بر خلاف نامش یک جریان لیبرالی است و پیش از آنکه مبارزه دانشجویان تا کید کند به الطاف هیئت حاکمه چشم دوخته است و همواره می کوشد تا از طریق حمله به نیروهای مترقی و انقلابی و حمایت از حاکمیت موجود از تعرضات و تهاجمات مترجمین در آمان باشد و چند صبا حی بیشتر در آتش و صلح و صفای کار خود ادامه دهد یا درست تر بگوئیم به منحرف کردن مبارزه جوانان ادامه دهد. این سازمان عمل انقلابی دانشجویان را محکوم نمود و کودنی خود را تا بدان حد رساند که حتی در محکوم کردن آن از حزب حاکم نیز جلوتر افتاد و وطنی اطلاعاتی اعلام نمود که "برخی از گروه های چپ روید نیال گروه های چپ نما، که همواره مترصدند تا از هر

استثمار کارگران و زحمتکشان میهن ما، ساخته اند، اشغال نمودند و در این هتله ساکن شدند. دانشجویان با قاطعیت انقلابی خویش در اشغال هتله بنشان دادند که تسلیم زور نخواهند شد و اجازه نخواهند داد که همچون گذشته با آنان رفتار شود و حقوق آنان با یامل گردد. این اقدام دانشجویان که همگامی با خلق قهرمان ایران است، بار دیگر نشان داد که حاکمیت کنونی نه تنها قدمی در جهت احقاق حقوق مردم زحمتکش برنداشته است بلکه برای تحکیم موقعیت سرمایه داران و حفظ و حراست از منافع آنان از هیچ کوششی نیز فروگذار نکرده است و تنها اقدام انقلابی خود توده ها می تواند مشکلات را حل کرده و حقوقشان را تامين کند.

این اقدام انقلابی توده ها مورد تأیید ما و همه نیروهای مترقی و انقلابی قرار گرفت و دانشجویان با افشاگریهای خود توانستند حمایت مردم را نیز جلب کنند و حاکمیت را در موقعیتی قرار دادند که روزنامه حزب حاکم یعنی روزنامه جمهوری اسلامی برای حفظ ظاهر مجبور شد در مقاله روز شنبه ۱۲ آبان ماه به تائید این عمل دانشجویان بپردازد.

کار مسکن آزادی

همسنگی و حمایت خلق کرد
از مردم بندرانزلی

مردم مبارزانه مرکب از دانش آموزان، دکانداران و بازاریان از ۲۷ تا ۲۹ مهرماه بعنوان اعتراض به کشتار بی رحمانه مردم انزلی و صیادان دلیر این منطقه دست به اعتصاب زدند. این اعتصابات سه روزه بانه در حقیقت بیانگر همبستگی، ادبی بود که تحت شعار "انزلی نردستان پیوندتان مبارک" به تحقیق می پیوست.

پنجشنبه ۲۶ مهرماه ۵۸، ساعت ۳ عصر، یک واحد تانک پس از عبور از خیابانهای شهر در جهت سواره آزادی میباد مستقر می شوند. مردم آگاه و مبارز میباد که بارها نشان داده اند مانند هرنیروی تحت ستمی، تن به تسلیم و سکون نخواهند داد، دکانداران مستند و به طرف چهارراه آزادی به حرکت در آمدند. ارتشبا مستقر در تانکها مبادرت به تیراندازی کردند و پیرزنی را زخمی نمودند. مردم خشمگین تر شده و هجوم به تانک ها آغاز شد. تانک ها مجبور شدند شهر را ترک کنند و به پادگان برگردند. در ادامه درگیری نیروهای مبارز شهر به سوی پادگان و پاسداران مبادرت به تیراندازی می کنند. غروب چند تانک مجددا

اخباری کوتاه از کردستان

به سوی نیروهای مسلح شهر هجوم آورده و از داخل پادگان پرتاب خمپاره آغاز می گردد. این درگیری در شب به اوج رسید و طبق خبرهای رسیده ۷ پاسدار و ارتشی کشته و عده ای زخمی شدند. در درگیری هسته های مسلح شهری فقط یک نفر دانش آموز سال اول نظری به شهادت رسید.

مهاباد (۲۸ مهر) به دنبال حضور فعال پیش مرگه ها در سطح شهر و دستگیری و مصادره خودروهای ارتش که در شهر حرکت می کردند و حمله به چند خودرو که منجر به کشته شدن افراد آن شد، ارتش با تانک و زره پوش به خیابانها یورش آورد که در لحظات اول پیش مرگه ها عقب نشینی کردند و نیروهای ارتش را به مرکز شهر کشاندند و در آن جا از پشت باها و کوجها، آنها را با تفنگ، نارنجک انداز و آر پی بی - جی - ۷ مورد حمله قرار دادند که در لحظات اول شش تانک ارتش و چند خودرو و مردم منهدم شد و تعداد زیادی نظامی و پاسدار که برای کشتار سرکوب خلق کرد به دستور ارتش و عوام مسلح امیرالیمم به کردستان اعزام شده اند، از پای در آمدند و یک تانک نیز توسط پیش مرگه ها مصادره شد که در خارج مهاباد پس از تخلیه

سنندج ۲۹ مهرماه
به دنبال کشتار مردم سنندج

به دست پاسداران و جانش های مفتی زاده که متجر به شهادت ۳ نفر و زخمی شدن ۷ نفر گردید. گروه "رزندگان خلق" با بمب و نارنجک به باشگاه افسران "مقر سپاه پاسداران" حمله کرده و طبق اعلامیه گروه "رزندگان خلق" ۴-۶ نفر پاسدار و جانش کشته و ۱۳ نفر از آنها زخمی شده اند. ضمن گروه رزندگان خلق پس از به عهده گرفتن ۱۸ انفجار در اعلامیه اخیر خود مسئولیت عمل نظامی دیگر را نیز به عهده گرفته اند و در انتهای اعلامیه هشدار داده اند که به تازگی جاشا و پاسداران مبادرت به انفجار خانه مبارزین شهر نمودند.

بوکان - اوضاع بوکان نیز در گسور شده است زیرا تا قبل از آن پاسداران خیلی گستاخ شده بودند و با بسیج تعدادی از مزدوران محلی (جاش) به آزار و اذیت مردم پرداخته بودند و تعدادی را دستگیر ساخته بودند. عملیات بوکان عمدتاً توسط خود مردم، مخصوصاً محصلین انجام شد که از کوجه و خیابان با نارنجک و کلت به پاسداران حمله نمودند و چندین نفر از آنها را کشته اند و دیگر آنها جرات حضور در خیابان را ندارند و در پشت سنگرهای خود پنهان شده اند.

روحیه مردم بوکان بسیار عالی است. حقانیت خلق کرد در این پیکار عامل اصلی وجود جنبش روحیه ای در میان توده هاست.

کارکنان مبارز

شرکت سدکوسد ایران

اموال شرکت را

ملی اعلام کردند

بقیه از صفحه ۲

در آخرین ساعاتی که نشریه زیر چاپ می رفت اطلاع یافتیم کارکنان شرکت حفاری سدکوسد ایران در پی تلاش های پی گیری چند ماهه خود، برای ملی کردن شرکت، سرانجام اموال شرکت را ملی اعلام کردند.

انهاد بخشی از نامه سرکشاده خود چنین می گویند.

"ما کارکنان شرکت حفاری نفت سدکوسد ایران با وجود کلیه وعده و وعید هائی که از طرف مقامات مسئول به ما داده می شود، هنوز تکلیف ما روشن نشده و تا این لحظه عملاً برای امریکای آمریکا می کنیم. به همین دلیل ما خودمان وارد عمل شده و از تاریخ ۱۹ آبان ماه اموال شرکت را ملی اعلام می کنیم و چنانچه تا تاریخ ۲۶ آبان شرکت ملی حفاری نفت تأسیس نشود، دست از کار خواهیم کشید. کارکنان مبارز این شرکت در خاتمه از تمامی نیروهای مترقی خواسته اند تا آنان را در مبارزه شان علیه امپریالیسم امریکای حمایت کنند.

همبستگی خلق ترکمن صحرا

با خلق مبارز کرد

نسبت به خلق کرد بهمان می داشتند در طی این اجتماع کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن هفتده سوم آبان به نام هفتده کردستان اعلام کرده و از تمامی مردم ترکمن صحرا خواست که به افشاکری جنایات رژیم در کردستان پرداخته و کمک های مادی خود را برای اظهار همدردی و همبستگی با خلق کرد در صندوقهای تعبیه شده در کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در گنبد و شاخه های آن در کلار، آق قلایر، بندر ترکمن و کمیش دغه ارائه نمایند. این پیشنهاد کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در ترکمن مورد حمایت و استقبال هر چه فراوان تر گرفته و تمامی مردم از کوچک و بزرگ برای جمع آوری کمک به فعالیت برداختند و شور و هجان فراوانی توده های زحمتکش شهر و روستا را فراگرفت. اجتماع کنندگان با شعارهای "همبستگی خلقها تنها ما نیستیم، پیروزی خلق ایران است"، "ما خواهان حق تعیین سرنوشت برای خلقها در چارچوب ایران آزاد و دمکراتیک هستیم" "کردستان قهرمان، افتخار خلق ما"، "پیروزی یاد اتحاد و یکپارچگی تمامی خلقهای ایران" "ما را خواستهای به حق خلق کرد حمایت می کنیم" به مراسم پایان دادند.

روز جمعه ۱۱ آبان، اجتماعی به مناسبت همبستگی با خلق قهرمان کرد به دعوت کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در بندرستان کمین گنبد برگزار گردید. در این اجتماع که هزاران نفر از مردم ترکمن صحرا شرکت داشتند، ضمن اعلام همبستگی با خلق کرد، اعمال و جنبانه رژیم در کردستان، کشتار مردم بی گناه و همچنین ادامه جنگ غیرمعمول تمامی تبلیغاتی که جهت برقراری صلح انجام می پذیرد، محکوم کردند. ابتدا بهیامی توسط کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن قرائت گردید که در آن حمله وحشیانه و همه جانبه به خلق کرد و کشتار بی امان خلقها محکوم شده و از خواستهای ۸ ماده ای جدید خلق کرد پشتیبانی کامل به عمل آمده بود. سپس سرود هائی به زبان کردی توسط گروهی از دانشجویان پیشگام کرد دانشگاه تبریز که در این اجتماع شرکت کرده بودند، اجرا گردید و سپس پیام دانشجویان خوانده شد. در طی برنامه که به مدت ۳ ساعت به طول انجامید سرود هائی به توسط هنرمندان خلقهای ترکمن، ترک و کرد به اجرا درآمد. در ضمن اجرای برنامه جمعیت با شعار "کردستان پیروزی است - ارتجاع نابود است" "کردستان قهرمان سنگر آزادگان" هنرمندان را تشویق نموده و با سرودهای جمعی احساسات خود را

تشکیل اتحادیه سراسری دهقانان ترکمن صحرا

گام بزرگی در جهت تقویت و استحکام شوراهای دهقانی

هشتمین کنگره شوراهای ترکمن صحرا صبح یکشنبه ۱۳ آبان ماه در گنبد برگزار شد. در این گردهمایی که به دعوت اتحادیه های دهقانی ترکمن صحرا صورت پذیرفت، پیرامون مسائل ارضی و کشت زمین هائی که از دهقانان به زور گرفته شده بود و مهمتر از آن تشکیل اتحادیه سراسری و اهمیت آن صحبت شد. گردهمایی با تشریح کشتار ۱۳ آبان در دانشگاه تهران و اعلام سکوت به مدت یک دقیقه و عرض تبریک عبدالقادر آغاز شد. نماینده اتحادیه دهقانی تاتار طی سخنانی اظهار داشت: "مردم ایران انقلاب کرده اند که زحمتکشانشان شهرها و روستاها را زیر بار ظلم سرمایه داران و زمین داران منقورها شوند. نباید فتودالها بار دیگر بساط ظلم و غارتگری را در روی زمین هایمان بگسترانند و خون مسام زحمتکش را بکنند. این است که ما تصمیم خود را گرفته ایم، ما زمین هایمان را خودمان شخم زده و می کاریم. دیگر اجازه نخواهیم داد عده ای غارتگر و ستمگر خون هزاران شهید انقلاب شکوهمندمان را پایمال کنند. ما از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار نداریم که مانند رژیم شاه خائن جانسب فتودالها و غاصبان خونخوار و ضد مردمی را گرفته و دهقانان و کارگران و سایر زحمتکشانشان را ضد انقلابی بخواند."

نماینده اتحادیه دهقانان ترکمن صحرا، گزارشی از نحوه کشت و اقدام جمعی در روستایشان ارائه داد و دو طوطه های ارتجاع و فتودالها و حامیان آنها را افشا کرد. او در بخشی از سخنان خود گفت: "ما باید با مشکل در شوراهای واقعی و اتحادیه ها و تقویت آنها و پشتیبانی و حمایت از اتحادیه سراسری ترکمن صحرا و حرکت جمعی و هماهنگ، بپوزه فتودالها و حامیان آنها را به خاک بمالیم." در خاتمه یکی از روحانیون مبارز خلق ترکمن در میان استقبال و احساسات پر شور دهقانان سخنرانی کرد و گفت: "برای اینکه حرکت ما در مبارزاتمان و در نابودی ارتجاع دارای مثبت ترین عملکردها باشد بایستی با اتحاد کامل در جهت تأمین منافع اجتماعی حرکت کنیم. نمانیم و در این رابطه منافع فردی و شخصی را به هیچ وجه در نظر نگیریم."

در ادامه به بیان مشکلات در شوراهای واقعی و اتحادیه ها و تقویت آنها و پشتیبانی و حمایت از اتحادیه سراسری ترکمن صحرا و حرکت جمعی و هماهنگ، بپوزه فتودالها و حامیان آنها را به خاک بمالیم. در خاتمه یکی از روحانیون مبارز خلق ترکمن در میان استقبال و احساسات پر شور دهقانان سخنرانی کرد و گفت: "برای اینکه حرکت ما در مبارزاتمان و در نابودی ارتجاع دارای مثبت ترین عملکردها باشد بایستی با اتحاد کامل در جهت تأمین منافع اجتماعی حرکت کنیم. نمانیم و در این رابطه منافع فردی و شخصی را به هیچ وجه در نظر نگیریم."

نماینده اتحادیه دهقانان ترکمن صحرا، گزارشی از نحوه کشت و اقدام جمعی در روستایشان ارائه داد و دو طوطه های ارتجاع و فتودالها و حامیان آنها را افشا کرد. او در بخشی از سخنان خود گفت: "ما باید با مشکل در شوراهای واقعی و اتحادیه ها و تقویت آنها و پشتیبانی و حمایت از اتحادیه سراسری ترکمن صحرا و حرکت جمعی و هماهنگ، بپوزه فتودالها و حامیان آنها را به خاک بمالیم." در خاتمه یکی از روحانیون مبارز خلق ترکمن در میان استقبال و احساسات پر شور دهقانان سخنرانی کرد و گفت: "برای اینکه حرکت ما در مبارزاتمان و در نابودی ارتجاع دارای مثبت ترین عملکردها باشد بایستی با اتحاد کامل در جهت تأمین منافع اجتماعی حرکت کنیم. نمانیم و در این رابطه منافع فردی و شخصی را به هیچ وجه در نظر نگیریم."

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد و وظیفه ما همهمه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است

جنبش دمکراتیک خلقهای ایران و مساله بلوچستان



مبارزه زحمتکشان و نیروهای مترقی بلوچ بخصوص بعد از هجوم ارتش و پاسداران به کردستان و در آستانه بحران سیاسی-اقتصادی که هرروز گروههای بیشتری از مردم را به مبارزه با سیاستهای حاکم می کشاند، گسترش بیشتری یافته است.

از زمان یورش ضدانقلابی نیروهای سرکوبگر رژیم به کردستان در تمام راهپیمایی ها و اجتماعات که در زاهدان، ایرانشهر و سایر نقاط بلوچستان صورت گرفته است خلق بلوچ در تمام قطعاته ها و شعارها، همبستگی خود را با خلق کرد و سایر خلقهای دربند میهنان اعلام کرده است. از شهرها و روستاها شعارهای "کردستان، راهت ادامه دارد"، "امروز کردستان، فردا بلوچستان"، "خلق کرد پیروز است، ارتجاع نابود است" و ... به گوش می رسد.

در چند هفته گذشته تصویب اصول ارتجاعي ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ که به نوعی ستم مذهبی راجحه قانونی می دهد، توسط مجلس خبرگان و اشغال "خانه بلوچ" در زاهدان توسط پاسداران مسلح و در جریان برگزاری انتخابات فرمایشی شورای شهر، که منجر به کشته شدن وزخمی شدن تعدادی از مردم شد، موج جدیدی از اعتراض و مبارزه خلق بلوچ را به همراه آورده است.

مبارزه زحمتکشان و نیروهای مترقی بلوچ بخصوص بعد از هجوم ارتش و پاسداران به کردستان و در آستانه بحران سیاسی-اقتصادی که هرروز گروههای بیشتری از مردم را به مبارزه با سیاستهای حاکم می کشاند، گسترش بیشتری یافته است.

از زمان یورش ضدانقلابی نیروهای سرکوبگر رژیم به کردستان در تمام راهپیمایی ها و اجتماعات که در زاهدان، ایرانشهر و سایر نقاط بلوچستان صورت گرفته است خلق بلوچ در تمام قطعاته ها و شعارها، همبستگی خود را با خلق کرد و سایر خلقهای دربند میهنان اعلام کرده است. از شهرها و روستاها شعارهای "کردستان، راهت ادامه دارد"، "امروز کردستان، فردا بلوچستان"، "خلق کرد پیروز است، ارتجاع نابود است" و ... به گوش می رسد.

در چند هفته گذشته تصویب اصول ارتجاعي ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ که به نوعی ستم مذهبی راجحه قانونی می دهد، توسط مجلس خبرگان و اشغال "خانه بلوچ" در زاهدان توسط پاسداران مسلح و در جریان برگزاری انتخابات فرمایشی شورای شهر، که منجر به کشته شدن وزخمی شدن تعدادی از مردم شد، موج جدیدی از اعتراض و مبارزه خلق بلوچ را به همراه آورده است.

بررسی مختصری از نیروهای سیاسی در بلوچستان

با سرنگونی رژیم جنایتکار پهلوی که به پیشکش از پنج دهه حامل مذهب سرکوب و ستم ملی به خلق بلوچ بود و در ارتباط با این مردم بلوچ با توجه به خواسته های ملی و دمکراتیک شان پس از قیام بطور طبیعی در مقابل هیئت حاکمه کنونی ایران قرار گرفتند. بیان خواسته های این گروه را تا حدی می توان در اجتماعات و مجامع دانشجویان و دانش آموزان مترقی منطقه و همینطور سازمانهای سیاسی نظیر "خانه بلوچ" مشاهده کرد. و اما نیروهای سازشکار بلوچ که امروزه به جنب و جوش افتاده اند اینها که از طریق عوامفریبی های گوناگون در ارتباط کنونی، به ظاهر خواهان رفع ستم مذهبی و ملی شده اند و عمدتاً در وجه فرهنگی، مذهبی آن تاکید می ورزند، به هیچ وجه خواستار قطع نفوذ روابط ظالمانه و استثمارگرانه خانها و سردارها و زمینداران بزرگ و کلاً تمامی مظاهر ستم وارد به توده های زحمتکش بلوچ نمی باشند. از نظر آنها رفع ستم ملی به معنی آنستکه سهم بیشتری از منابع و روابط استثمارگرانه مردم بلوچ نصیب شان شود و موقعیت خود را تحکیم نمایند. در حالی که خواست خلق بلوچ رفع ستم ملی و نابودی محور کامل روابط غارتگرانه طبقاتی است که کاملاً با آنچه که نیروهای سازشکار طرح کرده اند، متفاوت است. روش سیاسی این عده به شابهت به همالکی شان در

جکونگی برگزاری

انتخابات دمکراتیک

شوراهای شهر

در ترکمن صحرا ...

بقیه از صفحه ۱

در مقدمه اعلامیه مذکور شرکت فعال و موثر مردم در چنین انتخاباتی نشان دهنده رشد فکری و بلوغ سیاسی آنها از یکسو و اشتیاق و صفناپذیرشان در شرکت هر چه بیشتر در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و تعیین سرنوشتشان از سوی دیگر، ارزیابی شده است. بیاینه با ذکر این نکته که بعد از قیام تلاشهای جهت دور نگه داشتن خلق ترکمن از اظهار نظر پیرامون سرنوشتش صورت گرفته است، تاکید می کنده این امر نه تنها موجب نشد که توده های خلق ترکمن "میدان مبارزه و حقوق طلبی را خالی کنند بلکه آنها همواره و در هر زمینه ای خواستار ایجاد و تثبیت آزادی های دمکراتیک و شرکت در تصمیم گیری ها و تعیین سرنوشتشان شدند اعلامیه متذکر می شود که

"مردم ترکمن به دودلی بی اساسی به طور فعال و موثر در انتخابات شرکت کردند. اول اینکه مسئله شور و اهتزاز آن در زندگی سیاسی و اجتماعی مردم از اهمیت خاصی برخوردار بود، دوم این نکته که اکثریت غیر قابل انکار آنها در جلسات انتخاب هیئت نظارت مورد سوال قرار گرفته بود، ... کاندیدای مردم ترکمن بنا به دست آوردن بیشترین آرا، بنا اختلاف فاحش نسبت به سایر کاندیدها پیروز شدند. یعنی اعضای شورای شهر فقط از میان ترکمن هاتمین شد. بیاینه به این واقعت که مردم شهر گنبد از اکثریت ترکمن و اقلیت فارس و ترک تشکیل شده اند اشاره می کند و تاکید می کنده هیچ کدام از اکثریت با اقلیت هائی نتوانند به تنهایی شورایی شهر را در گنبد و در انحصار داشتن شورای سوسی هر کدام موجب ضایع شدن حقوق دیگران است.

مرکز هماهنگی شوراهای محلی بخش ترکمن نشین گنبد یا در نظر گرفتن اصول دمکراسی و با احترام به حقوق اقلیت و نیز با توجه به این حقیقت که تشکیل شورای شهر بطوریکه جنبه بدون شرکت نمایندگان اقلیت عمده این شورا به بن بست کشیده خواهد شد بعد از بحث و تبادل نظر به این نتیجه رسیدند که با توجه به نسبت جمعیت سه نفر از کاندیدهای خود را مستعفی اعلام کرده و به جای آنها سه نفر از کاندیدهای اقلیت را با در نظر گرفتن نسبت آرا به دست آمده برای همکاری دعوت نمایند و عملاً این کار را انجام می دهند.

اعلامیه در پایان می افزاید که "پذیرش چنین ائتلافی از طرف مادقیقاً بیان کننده درک ما به اهمیت برخورد دمکراتیک در رابطه با حل مسائل شهری و احترام به حقوق همه زحمتکشان است.

برای سرکوب خواستهای خلق بلوچ است، هدف دیگری خواهد داشت؟

مردم بلوچستان یعنی کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان این منطقه از آنجا که طی سالهای متعددی تحت استثمار و حشانه حاکمیت سرمایه داری وابسته و زمینداران بزرگ قرار داشته اند و از طریق خانها و باقیای فئودالیهای منطقه این سیاست اعمال گشته است، با اعتقاد به نابودی کامل کلیه روابط ظالمانه حاکم ستم سرنوشت خود، به مبارزات گسترده همراه با کلیه خلقهای ستمدیده میهنان در جهت قطع ستم ملی و استثمار و حشانه طبقاتی ادامه می دهند.

طبی اعتراضات و راهپیمایی هائی که در ماه های اخیر از طرف مردم بلوچ صورت گرفته است خواستهایشان را مطرح نموده اند که نادریز بخشی از آن را می آوریم:

- ۱- کلیه امتیازات اقتصادی - اجتماعی: خانها و سردارها تسلط شود و زمینهای زراعی و امکانات دیگر آنها در اختیار شورای منتخب روستائیان گذارده شود و تمام روابط اجتماعی پوسیده گذشته که باعث ادامه استثمار گذشته زحمتکشان بلوچ است برچیده شود.
- ۲- پایان دادن به هرگونه اعمال زور و سرکوب خلقهای کرد، عرب، ترکمن و بلوچ.
- ۳- تامین حقوق مساوی برای کلیه خلق های سراسر ایران در جهت برقراری آزادی های دمکراتیک.
- ۴- برچیدن بساط پاسداران تعیین شده از طرف هیات حاکمه و کارگران آن و گماردن انفراد انتخابی از طرف زحمتکشان بلوچ در جهت حفظ امنیت و آرامش منطقه و بازداشت و محاکمه تمام عوامل ضد مردمی در منطقه که به دامین زدن تضادهای درونی مردم بلوچ دامین می زنند.

سرکوبگرانه آنها تا به امروز همچنان به خشم مردم دامین زده است. بسیاری از افراد ضد مردمی و وابستگان رژیم سابق در ادارات دولتی و ارتش به کار خود مشغولند. از جمله سرگرد ضیائی فرمانده فکلی هنگ ایرانشهر که نه تنها در

تشکیل گروه به اصطلاح سیاسی خانها یعنی همان گروه نجات بلوچستان همکاری داشته بلکه خوانین و سردارها را نیز تاندان مسلح کرده است و در واقع سیاست تیسار ظهیر نژاد در کردستان را دنبال نموده است. سیاست ارتجاعي و ضد خلقی دیگری که در منطقه اعمال شده، دامین زدن به تضاد بین مردم بلوچ با سیاستها و فشارها (به علت اختلاف شیبه و سنی) در منطقه است. هیات حاکمه سعی دارد با بهره گیری از این قبیل تضادها، مانند نقده و گنبد از غیر بلوچها نیروی در مقابل رشد مبارزه خلق بلوچ به وجود بیاورد.

نمونه ای از سیاست حمایت هیات حاکمه از خانها و استثمارگران بلوچستان می توان در عفو محمدخان میرلاشاری، که یکی از خوانین به نام بلوچستان است مشاهده کرد. توجیه عفو محمد میرلاشاری اعلام شد:

"با توجه به تعهد امضا کنندگان آن ناحیه به محمد خان میرلاشاری که در رابطه با این حادثه دستگیر و با متواری شده اند، تا مین داده می شود که به مراکز خود بازگشته و با دلگرمی در سایه حکومت جمهوری اسلامی به وظایف خویش عمل کنند"

(نقل از روزنامه اطلاعات)

درواقع زیر سایه حکومت جمهوری اسلامی استثمارگرانی از قماش میرلاشاری به انجام وظایف دعوت می شوند. اما آیا با توجه به ماهیت این خوانین و وظایف آنان تاکنون جز سرکوب و یا اعمال کردن حقوق زحمتکشان چیز دیگری بوده است؟ آیا این سیاست ها که همانا وحدت ما مرجع ترین قشر منطقه

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

گزارشی از اعتصاب فاسترویلر-تهران جنوب وابسته به صنایع فولاد اهاوز- (قسمت دوم)

اعتصاب، تظاهرات و راهپیمائی کارگران مبارز و متحد فاسترویلر علیه «شورای فرمایشی کارفرما»

در شماره قبل علل و چگونگی آغاز اعتراضات و اعتصاب کارگران مبارز فاسترویلر به خاطر گرفتن خواستههای برحق خود علیه شورای فرمایشی کارخانه شرح داده شد. در این شماره خواهیم دید که چگونه کارگران آگاه و مبارز فاسترویلر موفق شدند توطئه چینی ها و حرکات ضد کارگری کارفرمایان و عوامل آنان را خنثی کرده و مبارزه سرسختانه خود را علیه دشمنان طبقاتی خویش دنبال کنند.

نشان می دادند که اتحاد واقعی خود را به دست آورده اند و به هیچ وجه حاضر به از دست دادن آن نیستند. در همین رابطه یکی از نمایندگان می گفت:

"دوستان کارگر، حدود ۸۰۰ تن از کارگران فولاد بندر عباس را قصد دارند به اینجا بفرستند و ما را به عنوان جهاد سازندگی و کاردان شرکت های دیگری برانگیزند. و با اگر نتوانستند، اخراج نمایند. آنها از اتحاد و یکپارچگی ما هراس دارند. اتحاد ما در این مدت پشت دشمنان ما را زانده و دست به همین خاطر است که آنها سعی دارند با اعلام کردن جهاد سازندگی، اتحادی را که ما در ضمن سالها مبارزه به دست آورده ایم از هم بپاشند و الا اگر غیر از این بود چرا همان هشتصد نفر را به جهاد سازندگی نفرستند؟ چرا از دو میلیون کارگر بکسار استفاده نکنند؟"

در این میان کارگران آگاهی که به وسیله فاعلی و شرکت تحریر شده بود بلند شو گفت:

"آقایان همه ما مسلمانیم. اما این آقا که کویست است... می خواهد... حرفش تمام نکرده بود که سبیل فحش و تازا همراها با الفاظی نظیر "گمشو، بنشین و خفه شو" بر سرش خراب شد. او که برای ایجاد دودستگی و تفرقه در میان کارگران تحریر شده بود بعد از آنکه با این حرکات مواجه شدند ترسان و مضموم سر جایش نشست. بعد از آنکه جلسه آرام شد، کارگری بلند شد و گفت:

"برادران، همه ما کارگر و همه مسلمانیم. اگر هم کسی در بین ما باشد که مسلمان نباشد به کسی مربوط نیست. ما در اینجا جمع شده ایم که از حقوق فحش شدهمان دفاع کنیم. کاری هم به دین کسی نداریم. به هر حال آنچه که من می خواهم بدان اشاره کنم این است که در بین ما کارگران کسانی هستند که سالها مبارزه کرده اند و به زندان رفته اند. طبیعی است که آنها با بیشتر از ما مسائل آشنا هستند. ما کارگران که صبح تا شب با پتک و چکش کار می کنیم مسلمانا سوادمان زیاد نیست. بنابراین برای اینکه بتوانیم از حقمان دفاع کنیم لازم است که چیزی یاد بگیریم. سپس یکی از کارگران با اشاره به ماهیت ضد کارگری "لا یخمنو" که اعتصاب را برای کارگران منوع می شمارد و برای اعتصابیون سه تا سه سال زندان در نظر گرفته است گفت:

"چه کسانی باعث اعتصاب و کم کاری می شوند؟ چرا کارگران اعتصاب می کنند؟ وقتی به خواست کارگران بی توجهی می کنند، حقوقش را نمی دهند و هرگونه حرکت اعتراضی ما را توسط عده ای دست نشانده سرکوب می کنند. طبیعی است که کارگر هم مجبور است با دست از کار کشیدن، حقوق خود را از کارفرما بگیرد."

شنبه ۷ مهر ۵۸ برای همه کارگران روشن بود که کارفرما دست نشانده اش که ادامه اعتصاب کارگران را به زیمان خود می دیدند، دست از توطئه برنخواهند داشت. عوامل نیروی ویژه و نمایندگان دست نشانده که با جلسات در روز جمعه توطئه

بقیه در صفحه ۷

ارتجایی و... در این راهپیمائی سرود "ما با هم متحد می شویم" هم از جنب کارگران خوانده شد. مرتجعین با تحریک عده ای عناصر فریب خورده و جماعتی به دست سعی کردند این راهپیمائی را به هم بزنند ولی موفق نشدند. چهارشنبه ۴ مهر ۵۸

به دنبال ضد انقلابی نامیدن کارگران از سوی طالقانی خود فروشی بر اه افتادن دسته ای از کارگران ناآگاه به رهبری عوامل نیروی ویژه و نمایندگان دست نشانده شوراهای هم به خواسته های برحقشان دست نیافته بودند. برای چندمین بار در مقابل کارگری اجتماع نموده و ضمن محکوم نمودن خائنانه شناخته شده چون "دفاعی، ابدی، پرور با پای ملی" که از طراحان اصلی این توطئه برادر کشانه بودند، خواستار حضور مجدد طالقانی، محاکمه وی و دریافت پاسخ قطعی شدند. آنچه که در این روزها همان آغاز جلسه به وضوح دیده می شد، تشکیل سازمان بافتگی کارگران بود. این چند روز اعتصاب مسائل فراوانی را به کارگران آموخته بود. مسائلی که به جرات می توان گفت

می بندیم که اتحاد فولادین خود را تار سیدن به خواسته های به حقمان از دست نداده و تا آخرین قطره خون خود در مقابل توطئه های مزدوران کارفرما و دیگر مسئولین پایداری خواهیم کرد.

طالقانی مزدور رئیس کارخانه که در همین اثنا توسط فشار کارگران به جلسه آمد، رو به کارگران نموده و پرسید: "آیا شما با این قطعنامه موافق هستید؟" کارگران که انتظار چنین سؤال توطئه آمیزی را نداشتند یکپارچه و شورانگیز فریاد زدند "بله، بله" و طالقانی گفت "خوب، حالا که شما این قطعنامه را قبول دارید، همانا این است که شوراز قبول ندارید. و از آنجا که این توافقنامه با تصویب شوراییه شده، بنابراین این از نظر شما بی اعتبار است." او با گفتن این جملات سرش را پایین انداخته و سعی داشت از جلسه خارج شود که کارگران جلو او را گرفتند. پس از فراغت این توافقنامه کارگران شدیداً به آن اعتراض نموده و ضمن محکوم نمودن طالقانی و نماینده های

اواضاغه نمود. سرمایه داران همیشه برای استثمار بیشتر کارگران و بردن سود بیشتر، خواسته های کارگران رو غیر قانونی میدانند. و اگر زمانی هم کارگران بوفق شدند حقوقی رو از چنگالشان بیرون بکشند، اونانی که حقوق را آورده جلوه داده و با گذاشتن کتک به جای حق، سر کارگر منت میدارند... ما می گوئیم حق مسکن، آب، ناهایی گویند کسک هزینه مسکن...

سخنرانی نماینده از آنجا که بروا قیامات قابل لمس و روزمره تکیه داشت، در روحیه کارگران تأثیر عمیق به جای گذاشت. دقت به سابقه کارگران، توجه آنها نسبت به مسائلی که مطرح می شد نشان از اشتیاق کارگران برای درک تضادها توطئه ها و حیل های کارفرمایان بود. در این لحظه که خواسته های کارگران نسبتاً شکل یافته و مشخص گردیده بود، قطعنامه ای چهار ماده ای به شرح زیر از سوی کارگران خوانده شد.

متن قطعنامه کارگران بهمانی حرکت فاسترویلر-تهران جنوب ۳ مهر ۵۸

نماینده کارگران فاسترویلر به کارگران این کارخانه:

نمایندگان کارفرما می گویند، خواسته های ما کارگران یعنی اضافه حقوق، حق مسکن، عائله مندی و حق خواربار غیر قانونی است! می دانید چرا؟ چون این خصلت سرمایه داری است که برای کارگر هیچ حقی قائل نیست. این قانون سرمایه داری است که حقوق کارگر را غیر قانونی می داند.

نقشی موثر تعیین کننده در جهت رشد و انجام یافتگی صفوف متحد کارگران داشته است و در دست به همین دلیل بود که کارگران علیه رژیم جماعتی و تهدید دارهایی که در روز به راه افتاده بود با عزمی راسخ تر به جلسه آمده و نه تنها در مقابل این محکوم ساختن آن نیز دست زدند. در این میان جلسه را کارگری صحبت بنیامون وحدت در عین محکوم ساختن توطئه دینسرو و شروع نمود که مورد تشویق شدید کارگران واقع شد. آنچه که در جلسه می گذشت همه حاکی از این امر بود که دیگر هیچ توطئه ای از دید کارگران پوشیده نخواهد ماند. کارگران

تسریر شده، شور و خواستار لغو آن گردیدند. تشنجی که بر اثر این عمل خائنه در میان کارگران به وجود آمد، با پخش اطلاعیه ای از جانب اشعری مزدور مبنی بر لغو تعطیل پنجشنبه ها در چندین کارگران خشمگین و پر خروش دست به راهپیمائی زده و به طرف ساختمان مرکزی شرکت دست به راهپیمائی زده و به طرف مرکز شرکت (سه طبقه) به راه افتادند. آنها به صورت صفی منظم و فشرده با تکان دادن مشت های گره کرده خویش فریاد می زدند: "نیروی ویژه نابود باید کرد، شورای انقلابی ایجاد باید کرد" پنجشنبه تعطیل باید گردد. اشعری مزدور اخراج باید کرد. "مرگ بر سرمایه دار، عامل

۱- ما خواستار برکناری بعضی از اعضای شورای مرکزی فعلی و برگزاری انتخابات مجدد برای یک شورای مستقل و واقعی هستیم. ۲- ما خواستار رسیدگی فوری به کلیه خواسته های برحق و قانونی خود که تاکنون بی توجهی مسئولین امر مواجه بوده و خواسته های ما کارگران را غیر قانونی خوانده اند، بوده و دیگر هیچگونه صبر و انتظاری به هیچ قدرت غیر مسئول نخواهیم داد. ۳- ما خواستار انحلال "نیروی شیطانی ویژه" که کارگران و نمایندگان مبارز و آگاه را تهدید و تعقیب و مضر و می سازند هستیم. ۴- ما در اینجا بهیمان

به شنبه ۳ مهر ۵۸ پس از تجمع کارگران در مقابل کارگری باند روزهای قبل افشاکری و اعتراضات کارگران شروع شد. یکی از نمایندگان کارگران چنین آغاز کرد:

"دوستان کارگر، همانطور که اطلاع دارید قرار است که امروز به خواسته های پاسخ بکن. دیروز در جلسه مذاکره گفته شد که تا ساعت ۱۱ پاسخ قطعی داده می شود. اما سؤالی که حالا برای همه ما مطرح این است که آیا پاسخی نمی کن که خواسته ها و سرودم بریننده پرداخت کنند؟ این آقایون می کن که تا خواسته اساسی ما یعنی اضافه حقوق، حق مسکن، عائله مندی و حق خواربار غیر قانونی و اوناهم اجازه ندادن از چارچوب قانون فراتر برین. من می پرسیم آیا اینها پاسخ دادن به خواست کارگر؟ اونانی که اضافه حقوق ما قانونی نیست. میدانین چرا؟ چون خصلتتون اینه. این خصلت سرمایه داره که برای کارگر هیچ حقی قائل نیست و هر وقت کارگر از حقش دفاع کنه، با کسک گرفتن از قانونی که خودشون طرح می کردند، اونو غیر قانونی میدانن. اما غافل از اینکه این قانون دیگه به اندازه پیشه می برای ما ارزش نداره. امروز دیگه چیزی برای ما کارگران قانون محسوب میشه که جموسله خود مانوشته بشه...

جلسه که از آغاز سخنرانی این نماینده در سکوت فروزفته بود، با اشاره به این مسئله ناگهان شورید و کارگران با فریادهای تأیید آمیز حمایت بی دریغ خود را از این امر اعلام نمودند. سپس کارگران یکی یکی شروع به صحبت نمودند. آنچه که عمدتاً مضمون بحث جلسه را تشکیل می داد، افشاکری از نیروی ویژه و عناصر خائن شور و نقی کارفرما در طرح ریجسری توطئه های ضد کارگری و تا کسک مداوم بر حقانیت خواست های کارگران بود. اما آنچه که به وضوح نظر همه کارگران را جلب نموده و اشتیاق آنها را برمی انگیزد افشاکری و محاکمه عناصر ضد کارگری بود که همواره به نحوی از انحاء در سرکوب عناصر مبارز و تفرقه در بین کارگران راداشتند. در این میان یکی از نمایندگان واقعی و مورد اعتماد کارگران که در جلسه روز گذشته شور و هیبت دولت حضور داشته، به بیان کارگران آمدو گفت:

برادران، من قصد سخنرانی ندارم. ولی مسائلی هست که نباید ناگفته بماند. واقعیت این است که بعضی از نمایندگان شورای مرکزی منتقل کردن جلسه به پشت درهای بسته قصد سرپوش گذاشتن روی خواسته های اصلی ما را دارند. دلیل من توافقنامه ایست که دیروز نوشته شد. بعضی از نمایندگان هم آنرا امضا نموده اند ولی من گمان می کنم توافقنامه رو بسک توطئه میدانم و اونو امضا نکردم. من باز چارچوب این امضاها را خورد هام و آشنایی کاملی نسبت به ماهیت این نوع بر نامه هادارم. اونانی که کردن با دادن خواسته های جزئی نظیر پاک کردن مناب آب، تمیز کردن توالت ها، گذاشتن یک آمبولانس جلوی کارگری و غیره ما را از مسیر اصلی منحرف کنن."

۴۸ ساعت کار طاقت فرسا در کارخانه ها باید به ۴ ساعت تقلیل یابد

اعتصاب، تظاهرات و راهپیمایی

کارگران مبارز و متحد ...

شومی را علیه کارگران تدارک دیده بودند، از همان اولین ساعات با مدار روز شنبه توطئه راه اجبراً درآوردند. حدود ساعت ۸/۳۰ صبح تعدادی از این محل با حمل کردن تظاهراتی از آیت الله خمینی و آیت الله طالقانی و فریب کارگران ساده لوح دست بر راهپیمایی زدند. در همین زمان اعلامیه ای بین کارگران توزیع گردید که از آنان دعوت می نمود تا در مقابل نمازخانه قسمت "گورف" تجمع کرده و به سخنرانی گوش دهند. (اعلامیه با امضاء مشکوک کارگران مسلمان وحدت طلب فاستروپلیس بود. نزدیک به ۱۵۰ نفر کارگر مقابل کارگری جمع شده بودند. معطفی پور (مشکل شورای مرکزی) تعدادی از کارگران را در ورودی جمع نموده و در جواب کارگری که به دودستی میان کارگران اعتراض می نمود چنین می گفت:

"تجمع روزهای گذشته به زبان ماکارگران بوده و در مورد خواسته ها هم حرفی گفته نشد فقط تعدادی فرصت طلب با استفاده از شور و تبلیغ مکتب خودشان کرده اند یکی از کارگران می گفت:

"دیشب و دیروز نمایندگان کارفرما جلساتی باهم داشتند تا شکل مبارزه باهم بزنند و اعتصاب را به نفع شرکت تمام کنند و بعد هم با چند خواسته جزئی ما موافقت بکنند و از تصفیه نمایندگان فراموشی شورا جلوگیری به عمل بیاورند ..."

در این هنگام حدود ۵۰۰ کارگر که به رهبری "نهیوی بیژن" تظاهرات آیت الله خمینی و طالقانی را در دست داشتند، به طرف کارگری آمدند و شعار می دادند "تا خون در روگ ماست، خمینی رهبر ماست" و "شورای اسلامی مسورد تا شد ماست" سپس به سوی قسمت "گورف" به راه افتادند. در آنجا جلسه با ذکر آیاتی از قرآن و نهج البلاغه آغاز شد. در این میان حضور نمایندگان وابسته به کارفرما و خود فروشی به عنوان گردانندگان اصلی این نمایش خوبی احساس می شود هر چه از آغاز جلسه می گذشت کارگران آرام آرام بی می بردند که منظور از ... راه انداختن این نمایش حمله به کارگران مبارز و دفاع از منافع کارفرما و دعوت مجدد کارگران به مسیر انقلابی است. ... در کلیه جلسات کارگران نقشی جز تفرقه اندازی و سمپاشی نداشت، بالا رفته و گفت: "هرکس از دولت اقتصاد کند نوکر امپریالیسم و دشمن امام است" و سپس اضافه نمود:

"این دولت انقلابی نیست و ما هم از خواسته هایمان دست نخواهیم کشید. البته در چارچوب جمهوری اسلامی ...؟" حرفهای ضد و نقیض این مزدور کارگران را به کلی گیج و متحیر نمود. یکی از کارگران گفت:

"مانعی دانیم قسم حضرت عباس را قبول کنیم یا دم خروس را؟ این آقا اصلاح طلب نیست"

طرفدار کجاست؟ بطوریکه معلوم است می خواهد هم از دیگ بخورد هم از ته دیگ.

دوشنبه ۹ مهر ۵۸ به دنبال راهپیمایی کذافی که در روز شنبه برای پایمال ساختن حقوق کارگران و ایجاد زمینه تفرقه و جدایی در صفوف متشکل آنها از جانب عروسکهای باز چیه دست کارفرما به راه افتاد و همچنین به خاطر رفتن ۵ تن از نمایندگان به سرپرستی "دفاعی" مزدور به تهران که بهانه آن ظاهر امدادگرها با مقامات دولتی بود، اعتراضات خشمگین کارگران بالا گرفت.

کارگران می خواستند بدانند چه کسانی راهپیمایی دیروز را راه انداختند، چه کسانی آن قطعنامه کذافی و ضد کارگری را طرح و تکثیر نموده و چه کسانی به نمایندگان خود فروش که طی چند روز گذشته از جانب همه کارگران خلع بند شده بودند، اجازه رفتن به تهران و مذاکره در مورد کارگران را داده بودند.

کارگری می گفت: "اگر این آقایان می گویند و رویکی هم به کشتن نیست چرا با این همه اعتراض ما از شورا کنترلی کشتند؟ ما صد بار گفتیم آقایان شما را نمی خواهیم. اما کار از روی روند راستش آدم به فکری افتد که اگر واقعا حساسی در کار نباشد و ستمی به این آقایان نرسد، چگونه ممکن است که آنها بطور به شور و آوازه مشان جنبیده اند؟"

اعتراض کارگران نسبت به این توطئه های کارفرما بداند منجر شده که برای چندمین بار نمایندگان برکنار شده و شور و انجمله اعلام شود. کارگران می گفتند که نتیجه مذاکراتی را که این نمایندگان کارفرما می رفتند کارگری برای ما بیاورند، از حسن ایا و جفا نرا قبول نداریم. آنها می گفتند تنها مذاکره ای قابل قبول است که یک طرف آن را نماینده واقعی کارگران تشکیل دهد. و در پشت درهای بسته اعتراض می شود به هیچ وجه قابل قبول نیست. با گسترده شدن دامنه اعتراضات مسئله تعطیل مجدد پنجمین راهپیمایی ها و ایجاد هشت ساعت کار در روز دوباره مطرح گردید. و کارگران روی آن شروع به بحث نمودند و بالاخره جلسه با شعار "پنجشنبه تعطیل باید کرد" پایان یافت.

اعتصاب همراه با تظاهرات و راهپیمایی کارگران مبارز فاستر و پلر همچنان ادامه دارد.

پهروز با مبارزات حق طلبانه کارگران هر چه مستحکمتر باد اتحاد دشمن برانداختن کارگران نابود باد دست شوم و توطئه گرجا سوسان خود فروشان و دست نشانندگان کارفرما

همانگونه که سازمان ماییش بینی کرده بود مصوبات مجلس به اصطلاح خبرگان ...

بقیه از صفحه ۱

شدن این اصول در مجلس "خبرگان" تاکید می کرد. سازمان ما با توجه به ماهیت ارتجاعی هیات خاکمه، جایگزینی مجلس "خبرگان" به جای مجلس موسسان و نحوه غیر دموکراتیک برگزاری انتخابات، ترکیب نمایندگان و آنهایی را که تا آن زمان از این دولت انتظار اصلاحات و تصمیم گیری های انقلابی داشتند از پیش واقف نبودند و اعلام کرده بود.

"اصولی که در آینده به تصویب مجلس به اصطلاح خبرگان می رسد قطعاً ارتجاعی و توفیق مردمی سراز قوانینی خواهد بود که امروز به عنوان پیش نویس قانون اساسی انتشار یافته است."

پایان نیافته است که مردم میهن مادر یافته اند همانطور که پیش بینی کرده بودیم، این قوانین تاجه اندازه ارتجاعی شده

امروز دیگر بر مردم انقلابی ایران مشخص شده که آنچه در این مجلس می گذرد هیچ ارتباطی با روح انقلاب ایران ندارد

سیله بهترین نوع فریب و تحریف اذهان توده ها را انجام می دهند؟ پس خبرگان محترم باید در این مورد و مواردی نظیر آن بسیار دقیق و حسان باشند. ولی آنها بی خبری محدود و توتنگ تر از آن دارند که آینده را پیش بینی کنند و حتی بخشی از آنها اصولاً شرایط امروز خود را ابداً و لای تقصیری دانند. لذا می گویند در اصل ۳۱ چنان محکم کاری کرده و آنرا چنان به چهارم بخش بکشند که بزم خود هیچ جنبنده ای نتواند از چنگ آنها خارج شود. غافل از آنکه هرگز قادر نخواهند بود همچون رژیم شاه همه آزادیها را بدست آمده توده ها را از آنها سلب نمایند.

حقیقت این است که مجلس خبرگان دیگر چنان از نفس افتاده است که موری برای افشای آن باقی نمانده است. امروز دیگر بر نمایندگان مردم انقلابی ایران مشخص شده که آنچه در این مجلس می گذرد هیچ از باطنی با روح انقلاب ایران یعنی درهم شکستن تمامی ارگانهای و نهاد های ستم و جفا و نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و تامین حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان و سایر اقشار تحت ستم ایران ندارد. امروز دیگر معلوم شده است که مجلس خبرگان خود آئینده تمام نمای مجلسهای آینده بوده و قانون اساسی آن چیزی است که اساساً با خواست مردم قهرمان ایران است مردم با مقابله با این مجلس ستم محلسهای رژیم شاه بوز بروز علاقه و امید خود را نسبت به نتایج آن از دست داده و هم اکنون بیشتر بروی عواقب مغرب و بی فایده ارتجاعی مصوبات آن فکری می کنند. این مجلس صرفاً از منافع روحانیت قشری دفاع می کند و می خواهد هر چه بیشتر به امتیازات خجایی انحصاری و تشنگ نظرانه خود رسمیت قانونی بخشد.

این امر امکان پذیر نیست مگر اینکه تمامی دستاوردهای انقلاب مردم ستمدیده و محروم میهن ما که با دادن قربانیهای بسیار و سرتنگی رژیم ننگین پهلوی تاریخه کن کردن سلطه امپریالیسم فاصله زیادی نداشته اند کاملاً پایمال و سوز

علیرغم چنین شناختی از خبرگان، جهت شناسیدن بار هم بیشتر ما ماهیت مرتجعینی که بر کرسی های نمایندگان نگه داشته اند، گوشه های از شکردهای ضد دموکراتیک و ارتجاعی این مجلس را کماکان افشا کنیم.

ماه عنوان نمونه یک چشمه از کار خبرگان یعنی اصل ۳۱ مربوط به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها را در این مختصر مورد بررسی قرار میدهم. چگونه برخورد خبرگان محترم در این مورد خود به تنهایی همین گفته های فوق الذکر است طبق نوشته روزنامه ها

در اطراف اصل ۳۱ بحثهای زیادی در گرفت ولی نهایتاً رای کافی برای تصویب بدست نیامد. بهینم این اصل چه بود و برای چه می آورد مطابق اصل ۳۱ تشکیل اجتماعات و راهپیمایی بشرط آنکه بر ضد اسلام و امنیت نباشد آزاد است و مقررات مربوط به نظم راهپیمایی و اجتماع در خیابانها و میدانها دین عمومی به موجب قانون تعیین می شود. یعنی مفهوم این اصل چنانچه تصویب هم کرده، قانونی کردن همان وضعیتی است که اکنون وجود دارد. اگر بنا بر اقیام چندین ماهه مبارزات توده های مردم پس از قیام تاکنون نظری به فکرم، یعنی واقعی تصویب چنین اصلی را در برخورد هیئت حاکمه و عوامل آن با تظاهرات و راهپیمایی های مردم مشاهده می کنیم، میتینگ های دانشگاه در چند ماه اخیر، تظاهرات و راهپیمایی در دفاع از آزادی مطبوعات، عدم تضمین دولت به شاعران و نویسندگان در برگزاری شب شعر زمین چمن دانشگاه تهران ... و اجتماع و راهپیمایی همواره توسط گروه های فشار متشکل از اوپاش و غیره که از پشت پرده هدایت و رهبری میشد، مورد ضرب و شتم قرار می گرفت. آنچه که با توطئه چینی به منظور منحصرت کردن تمامی دستاوردهای انقلاب به پانته های تظاهرات انقلابی در عمل به تحقق پیوست، طبیعتاً در نظر باستانی به نسبت رسیده چهارمیخ کرد.

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

توطئه‌ای که علیه یکی از اعضاء سازمان چریکهای فدائی خلق ایران طراحی شده بود

در حالیکه رفیق مادر جنگ پاسداران اسیر بود و در مخفیگاهی نزدیک پارک شهر تهران طبقه کارگران این دشمنان واقع می‌شد

روز اول آبانماه روزنامه جمهوری اسلامی و سایر روزنامه‌های تهران به نقل از خبرگزاری پارس از کرمانشاه خبری را منتشر کردند که حاکی از اینکه روز ۲۳ مهرماه هنگامی که پاسداران بیژن نویری (عضو سازمان - شاخه تبریز) را برای مجازات به کرمانشاه انتقال می‌دادند در راه بوکان مورد حمله مسلحانه اعضای حزب دمکرات قرار گرفته و موفق به فرار دادن او می‌شوند خبر اضافه می‌کرد بیژن نویری در این حادثه زخمی شده و دو پاسدار و محافظ وی نیز جراحاتی برداشته‌اند سازمان قبلاً اطلاع یافته بود که رفیق روز پنجشنبه ۲۶ مهرماه در تقاطع میان سمان متحدین - ۷ شهر پور شهر تبریز دستگیر شده است اما پس از انتشار این خبر از آنجا که مسلم بود اولاً مسئولیت بیژن کوچکترین ارتباطی به منطقه کردستان و کرمانشاه نداشته است ، ثانیاً از آنجا که بنا به تجربیات گذشته سازمان با توجه به شکل درج خبر ، سازمان وجود توطئه‌ای برای سر به نیست کردن رفیق را کاملاً جدی تشخیص داد ، بخصوص چون مراجعات خانواده رفیق برای اطلاع از سلامتی وی نیز بجای نرسیده بود نگرانی‌ها را تشدید می‌کرد .

مدت یک هفته بعد از بودن رفیق در تبریز روز ۴ روز بعد از انتشار خبر روزنامه‌ها یعنی روز پنجشنبه ساعت ۵ بعد از ظهر پس از تماس با سازمان اطلاع می‌دهد که ساعت ۴ بعد از ظهر همان روز (۳۳ آبان ۵۸) موفق شیده است از شکنجه‌های در تهران که پاسداران او را در آن مخفی کرده بودند ، بگریزد و به جنبش بپیوندد و بلافاصله گزارش مکتوب و موقع واقع را در اختیار سازمان قرار داد که خلاصه آن چنین است .

رفیق نویری ساعت ۸ صبح پنجشنبه ۲۶ مهر روز یکی از محله‌های تبریز مورد تعقیب دو نفر قرار می‌گیرد (یکی از آن افراد شخصی بود بنام حمید سلیمی که اکنون یکی از مسئولین سپاه پاسداران در تبریز است) و چند دقیقه بعد در تقاطع خیابان متحدین ۷ - شهر پور توسط یکی از آنها که مسلح به کلت است بود پس از دستگیری کشتن باز داشت و به کمیته آزادی (یکی از کمیته‌های تبریز) منتقل شده و به سپاه پاسداران تحویل داده می‌شود . هنگامی که ما شین از مقابل هتل دانشگاه او را به زیر صندلی اتومبیل گشادند که از بیرون دیده نشود ، پس از پرونده سازی رفیق را با چشم بسته به همراه چند پاسدار مسلح به خانه‌ای شبیه به کارگاه که حیاط آن با پلاستیک زرد رنگ سقف بود بردند و در یکی از اتاقهای آن زندانی کردند . حمید سلیمی به سراغ وی می‌رود و در حالیکه بیشتر مانع از این واقعه "تهوانی" جلا دگفت "خوب گیرمان افتادی ، صبر کن بهین چه روزگارت می‌آورد ، بعد از انو بیت بازجوی دیگری به نام خیا می‌که خود را به هیئت فلسطینی‌ها در آورده بود می‌رسد ، بازجویی شروع شد ، شیوه سؤال و جواب همچون ساواک ادامه یافت ، رفیق از همان بدو ورود به عنوان اعتراض ، سه اعتصاب غذا

زده شروع به شعار دادن نمود ، در این حال مزدوران نگهبان او به تکیه افتادند قولهای مساعدمی دادند که "آزادت می‌کنیم ، اشتباه کردیم..." ساعت ۱۲ همان شب رفیق را به ارومیه می‌برند ، در آخرین ساعات روز ۲۷ مهر به سراغ او آمده و با چشم بسته او را به یکی از خانه‌های اشرافی فتوالبهای خوی بردند اعتصاب غذا ، رفیق را بسیار ضعیف کرده بود ، در آن حالت پاسداران طرح‌هایی برای ترور رفیق می‌کشیدند ، یکی می‌گفت "فلانی را کشتیم ، ترا هم می‌فرستیم ببینش ، می‌زنیم بعد می‌گویم در وسط راه بنا کرده‌اند درگیر شدیم و این توی ما شین ، تیر خورد ."

دیگری می‌گفت "نه ، یکشیم و جال کنیم" سپس بین آنها می‌جانی تیر بر سر تقسیم پول و ساعت وی در گرفت یکی از پاسداران کلت خود را آماده کرد و به روی شقیقه گذاشت یکی دیگر از پاسداران اصرار داشت که با یوزی (مسلح) رفیق را ترور کند . (چند روز بعد یکی از همسین پاسداران در تهران تحت تأثیر آشنا شده با اهداف رفیق به او می‌گوید "با پاپا والله ما باید از هانمی فهمیم در خوی کم مانده بود با کشتن موافقت کنیم فقط چون برگ رسیده داده بودیم که تابه تهران تحویل دهیم ، منصرف شدیم .")

توطئه‌ای که برای ربودن بیژن نویری ، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود ، از تمام نمونه‌های دیگر متمایز است ، این بار این کل دستگاه دولتی است که در قیامه شیوه رژیم شاه تمام اجزایش به کار گرفته می‌شود تا یک انقلابی را بی‌روصد آشکار کند و زیر شکنجه بنه شهادت برساند .

پس از چند ساعت توقف در خوی مستقیماً به سوی تهران حرکت و صبح روز ۲۸ مهر به تهران می‌رسند در تهران دو باره چشمان رفیق ترا بندند و ساعتی بعد (۱۰ صبح) او را در یک زیرزمین در یک اتاق کوچک دارای یک لوله کوچک و یک تخت خواب حبس می‌کنند ، در اینجا او متوجه می‌شود که از ابتدای بودن وی کوشش زیادی به عمل آوردند که کسی متوجه دستگیری وی نشود بیکار وقتی از یک پاسدار می‌خواهد که به پدرش تلفن بنزد و خبر دستگیری پدرش را به او بدهد پاسدار جواب منفی می‌دهد و می‌گوید "در کل ایران فقط ۵ نفر از دستگیری تو خبر دارند و ما چنین اجازه‌ای نداریم ." رفیق از این ساعت به بعد تا روز پنجشنبه سوم آبانماه ساعت ۱۰ صبح در آن اتاق زندانی بوده است در طی این مدت در هیچ‌کجا ، هیچ‌کس دلیل بازداشت و بودن وی را به او اعلام نمی‌کند ، در برابر سؤال ، رفیق در این باره فقط جواب می‌دادند "بعد خواهی فهمد ."

در این ساعت وی موفق می‌شود با کندن دو آجر از دهانه مجرای عبور لوله‌های تأسیسات ساختمان که از بالای در ورودی اتاق می‌گذشت از آن بیرون آمده ، پس از عصبانیت تلاش بالاخره از محوطه محصل اسارت خود خارج و ساعتی بعد به

سازمان می‌پیوندد ، این عین خلاصه وقایعی است که در طی یک هفته بر رفیق گذشت ، از آنجا که این واقعه پرده از شکل گیری سازمانی جنایتکار بر می‌دارد که شکار سر به نیست کردن انقلابیون راه هدف خود قرار داده است ، سازمان تصمیم گرفت با انتشار جریان واقعه و اعلام آن به همه خبرگزاران ، مراجع حقوقی توطئه‌های کثیف و وحشیانه‌ای را که از تجاع برای سرکوب سازمان می‌پیوندد ، این عین خلاصه وقایعی است که در طی یک هفته بر رفیق گذشت .

از آنجا که این واقعه پرده از شکل گیری سازمانی جنایتکار بر می‌دارد که شکار سر به نیست کردن انقلابیون راه هدف خود قرار داده است ، سازمان تصمیم گرفت با انتشار جریان واقعه و اعلام آن به همه خبرگزاران ، مراجع حقوقی توطئه‌های کثیف و وحشیانه‌ای را که از تجاع برای سرکوب سازمان می‌پیوندد ، این عین خلاصه وقایعی است که در طی یک هفته بر رفیق گذشت .

وجه تفسیر جنایتکارانه‌ای برای او کشیده‌اند ، آيا جز اینکه قصد داشتند رفیق را زیر شکنجه شهید سازند ؟ و چنانچه هشباری رفیق او را برای نمی‌کرد چه با تاکنون این جنایت مرتجعین جامعه عمل پوشیده بود . دولت موظف است موضع خود را و نقش خود را در انجام این توطئه ناموفق توضیح دهد . مسئولین این جنایت کثیف باید به مردم معرفی و مجازات شود ، دولت باید توضیح

دهد چرا و به چه منظور چنین دروغی را انتشار داده است ، ما از قبیل میدانیم که هیئت حاکمه چون خود بهتر از مسئولین و طراحان این توطئه را می‌شناسد برای هیچکدام از سوالات جوابی ندارد . ما با افشای اسرار این توطئه کثیف به پیشگاه مردم مبارز ایران و تمام نیروهای آزاد پیخواه و مترقی جهان علیه غافلین و طراحان این توطئه اعلام جرم می‌کنیم ، باید یکایک عاملین این نقشه‌های شوم که ساواک جدید با همان شیوه‌ها و شرکدهای جلا دان ساواک آنسرا

انقلابیون تدارک دیده است افشا نماید . روز دوشنبه اول آبان رژیم از طریق خبرگزاری پارس از کرمانشاه اعلام کرده است ، فدائی خلنق توطئه‌ای را در راه بوکان برپا کرده شد و این در حالیست که او در اسارتگاه خود در تهران در سلول انفرادی و اسیرات و کسی هم از دستگیری او با خبر نیست . مردم غیور و مبارز ایران ، چه کسی این توطئه را اجیده است ؟ چرا اعلام کردند بیژن نویری در راه بوکان فرار کرده است ، در حالیکه

توطئه‌ای که برای ربودن بیژن نویری ، شکنجه و قتل وی تدارک دیده شده بود ، از تمام نمونه‌های دیگر متمایز است ، این بار این کل دستگاه دولتی است که در قیامه شیوه رژیم شاه تمام اجزایش به کار گرفته می‌شود تا یک انقلابی را بی‌روصد آشکار کند و زیر شکنجه بنه شهادت برساند .

تشکیل داده‌اند به محاکمه و مجازات کشیده شوند ، باید معلوم شود به دستور چه کسی دروغ فرار بیژن نویری را "در راه بوکان" در حالیکه او هنوز زنده است و در تهران در یک مخفیگاه رژیم زندانی است به خبرگزاری پارس داده است ؟ حمید سلیمی به دستور کدام مقام مسئول یا تهیه‌دهنده اسلحه رفیق را در تبریز شکار کرده است ؟ دلیل انتقال او به ارومیه و بازگرداندن او به تهران چه بوده است ؟ چرا خواته‌اند هیچکس از ربودن و بازداشت وی مطلع نشود ؟ چرا بدون برگناز داشت و هرگونه حکم رسمی رفیق را بازداشت می‌کنند ؟ چرا رفیق را در تهران تحویل زندانیان رسمی نمی‌دهند و در زیرزمین پنهان می‌کنند ؟ باید این خانه‌های مخفی که زندانیان سیاسی بطور پنهانی در آنجا نگهداری می‌شوند به مردم شناسانده شوند ، باید مسئولین این اسارتگاهها شناخته و مقاماتی که این دستگاه توطئه‌گری و جنایت را برآه انداخته‌اند ، در هر جا که باشند به سزای اعمال تنگناشان برسند ، به همه این سوالات باید پاسخ داده شود مردم اجازه نخواهند داد این شبکه سراسری توطئه‌گران و جنایتکاران سیاسی ، این شبکه سراسری شکار انقلابیون دوباره احیا شود ، هم اکنون این شبکه برای شکار کمونستها ، این مدافعین راستین

مردم ایران معرفی شوند .

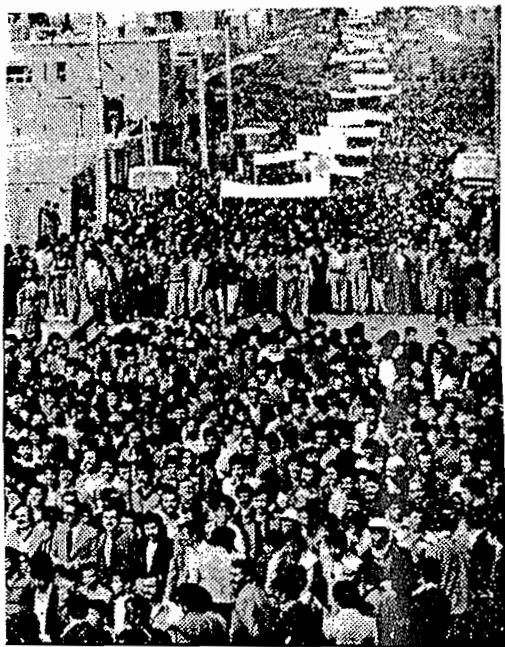
مردم ایران معرفی شوند .

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش

تظاهرات دهها هزار نفری خلق کرد در سنج و مهاباد برای گرامی داشت شهدای جنگ خونین کردستان آنها یکصد نفری می زدند

در پیکار خلق کرد سازشکاری...



صحنه‌ای از تظاهرات خلق کرد در آبان (عید قربان)

نمی دهد، در پیکار خلق کرد سازشکاری محکوم است، جلاد تلر عتر، جلاد خلق ماعد، اتحاد مبارزه پیروزی، پیروزی از آن خلق است، سرافکنندگی از آن خائن است، تادنا دنیا نیست، کرد و عرب برادرند، مارک حداثی شعارا مریکا شی در خدمت ارتجاع، بر علیه رهاشی از جمله شعارهای این روز بود. نمونه این تظاهرات و راهپیمایی ها در دیگر شهرهای کردستان، سنقر، بانه و سردشت نیز برگزار شد.

گرامی باد یاد شهید دکتر... بقیه از صفحه ۱۲

عناصر سازشکار و فرصت طلب جبهه ملی می دانست که بدون نابودی پایگاه اقتصادی امیرالیسیم بخصوص قطع سلطه فارتگرانه آن بر شریان حیاتی کشور، یعنی صنایع نفت، آزادی و استقلال ایران تامین نخواهد شد. این بود که همگام با مبارزات ضد امیرالیستی مردم ایران و با یاری بخشیدن به دکتر محمد مصدق در بیرون کشیدن صنایع نفت از چنگال امیرالیسیم از کوچکترین تلاشی فروگذار نکرد. اما از آنجا که هم او هم دکتر محمد مصدق توسطه های امیرالیسیم و عناصر سازشکار و فرصت طلب جبهه ملی می دانست که بدون نابودی پایگاه اقتصادی امیرالیسیم بخصوص قطع سلطه فارتگرانه آن بر شریان حیاتی کشور، یعنی صنایع نفت، آزادی و استقلال ایران تامین نخواهد شد. این بود که همگام با مبارزات ضد امیرالیستی مردم ایران و با یاری بخشیدن به دکتر محمد مصدق در بیرون کشیدن صنایع نفت از چنگال امیرالیسیم از کوچکترین تلاشی فروگذار نکرد. اما از آنجا که هم او هم دکتر محمد مصدق توسطه های امیرالیسیم و عناصر سازشکار و فرصت طلب جبهه ملی می دانست که بدون نابودی پایگاه اقتصادی امیرالیسیم بخصوص قطع سلطه فارتگرانه آن بر شریان حیاتی کشور، یعنی صنایع نفت، آزادی و استقلال ایران تامین نخواهد شد. این بود که همگام با مبارزات ضد امیرالیستی مردم ایران و با یاری بخشیدن به دکتر محمد مصدق در بیرون کشیدن صنایع نفت از چنگال امیرالیسیم از کوچکترین تلاشی فروگذار نکرد.

ترو آیت الله قاضی طباطبائی را محکوم میکنیم
صبح روز یازدهم آبانماه آیت الله قاضی طباطبائی نماینده آیت الله خمینی و امام جمعه شهر تبریز هنگام خروج از مسجد مقصودیه توسط عده ای ناشناس ترور شد. ما این اقدام و تمام اقدامات مشابه آن را قاطعانه محکوم کرده و

قانون زمینداری و احیای ارضی یک قانون ضد دهقانی و ضد انقلابی است

وزارت کشاورزی بالاخره خیال کلیه زمینداران بزرگ و سرمایه داران بخش کشاورزی را با اجرای تصمیماتی که از تصویب شورای انقلاب و دولت گذشته است، راحت کرد. تصویب این تصمیمات نشان می دهد که چگونه حاکمیت فعلی دست در دست مرتجع ترین و واپس مانده ترین طبقات و قشرهای جامعه ایرانی یعنی زمینداران و فئودالهای سابق گذاشته و چگونه حق زحمتکش روستا و دهقانان را که سالها زیر سلطه زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته به ظالمانه ترین شکل مورد بهره کشی قرار داشتند را پامال می کند. از آنجائی که در قلموس حاکمیت فعلی مالکیت بر ابزار تولید در تمام زمینه ها امری مقدس و مشروع میباشد به زور تصویب یک مشت قوانین ضد مردمی راه برای غارت دهقانان زحمتکش خلق ما بازمی کنند. دونه از این اقدامات را بازگویی کنیم. در مورد زمینهای کشت و صنعت و زمینهای زیرساختها یعنی حاصلخیزترین زمینهای ایران، زمینهایی که به زور ترور و کشتار از چنگ دهقانان در آورده شده بود دولت تصمیم گرفته است که این زمینها را خود تصاحب کند و سپس آردابه اشخاص دیگر واگذار کند. از آنجائی که این زمینها نباید قطعه قطعه شده آنها را به اشخاصی

گرامی باد خاطره پرشکوه رفقای... بقیه از صفحه ۱۲

رفیق منوچهر بهائی پوردر سال ۱۳۲۴ در لاهیجان به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات در شرکت مخابرات به کار پرداخت ولی پس از چندی استعفا داد. از سال ۱۳۴۵ وارد فعالیتهای سیاسی شد و پس از دو سال رسماً به سازمان پیوست و همچون یک انقلابی حرفه‌ای به مبارزه پرداخت. پس از یورش وحشیانه ساواک در سیزده بهمن ۴۹ به لاهیجان، او مخفی شد و به تهران آمد و با سایر رفقای همزمین در مبارزه علیه رژیم فعالانه شرکت جست. گرامی باد خاطره رفیق شهید پروین فاطمی. این رفیق که در سال ۱۳۳۱ در محله مردمی و قهرمان پیرو در خانی آباد تهران به دنیا آمد تحصیلات ابتدائی و دبیرستان را در همین محله فقیر نشین با رتبه ممتاز تمام کرد. در سال ۱۳۴۹ وارد مدرسه عالی بازرگانی شد در سالهای آخر دانشکده فعالانه به کار آموزش سیاسی پرداخت پس از پایان تحصیلات دربانک ملی به کار پرداخت و پس از چندی برای تدریس به نیاورد رفت.

به مقاصد ضد خلقی خود جنبه قانونی بدهد، لایحه‌های راکه از تصویب دولت و شورای انقلاب می گذارند که کاملاً در جهت منافع مالکان عمده و سرمایه گذاران بخش کشاورزی است. این لایحه فصل مالکیت بر زمین را طبق ماده ۲ فصل دوم آن قانونی شناخته است. یعنی تکلیف چند صد مالک عمده و فئودالهای بزرگ را روشن می کند که صاحب تمام املاک خود از قبیل خالصه و واگذاری و انتقالات قهری می باشند. اما هیچ صحبتی از ملیونهاده‌ها بی زمین ایرانی نیست. ما از دولتی که وزیر کشاورزی خود یکی از ملاکین بزرگ منطقه فارس و صاحب دو موسسه کشت و صنعت است و عضو شورای انقلاب از بزرگترین باغداران پسته رفسنجان است توقعی جز این نداریم. اما زحمتکش و دهقانان محروم ایران، اجازه ندهید که حق واقعی شما پامال شود. با تشکیل شوراها و اتحادیه‌های دهقانی

گرامی باد خاطره پرشکوه رفقای... بقیه از صفحه ۱۲

این رفیق سرانجام به صفوف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پیوست و در تاریخ ۸ مهر ماه ۵۴ در یک درگیری به شهادت رسید. گرامی باد یاد رفقای شهید گروه آرمیان خلق همایون کتیرائی، بهرام طاهرزاده ناصر کریمی، هوشنگ ترکگل این رفقا که همه اهل بروجرد بودند، پیوندهای عاطفی بسیار نزدیکی با یکدیگر داشتند که در اثر سالهای متداری کار و فعالیتهای سیاسی مشترک در راه آرمان والی طبقه کارگر به صورتی ناگسنتی درآمده بود. برجسته ترین چهره دزمان آنان رفیق همایون کتیرائی بود که روح این گروه و نیروبخش آنان بود. نمونه برجسته‌ای از یک شخصیت انقلابی بود. او چه در خارج از زندان و چه در زندان و هنگام اسارت با روحیه انقلابی خود به همه نیرو و توان وامید می بخشید و خاطره‌های فراموش نشدنی از خود به جای می گذاشت. یاد تمامی این رفقا گرامی باد

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بمناسبت سالروز ۱۳ آبان :

۱۳ آبان ماه را گرامی بداریم

توطئه های امپریالیسم و بورژوازی را افشا کنیم

"لحظاتی هستند که دوران سازند و دورانی که از چنین لحظاتی سرشارند." لحظات دوران سازند در موقعیت های انقلابی شکوفایی می گردند و موقعیت های انقلابی اغلب آنکند از این اثر پر شکوه انقلابیونی است که در جهت گسستن زنجیرهای خونین اسارت جان پرکف می نهند و عظمت توده ها را در قالبی حماسه های سترگ انسانی نمودار

برداشته شده است. نبود صف مستقل طبقه کارگر، نبود سازمان سیاسی سراسری واحد و منسجم طبقه کارگر در این زمان از یک سو سبب پراکندگی و تشتت در امر رهبری جنبش شده است و از سوی دیگر زمینه را برای جریانهای غیر پرولتری فراهم نموده است که رهبری آن را به دست گیرند. کشاکشی که در درون هیئت حاکمه

می کوشند تا هر چه سریعتر به دستاوردهای خود شکل قانونی داده و دیگران را بطور کامل تحت سلطه خویش در آورند و بورژوازی که خیال قبضه قدرت را در سردارد، با نیرنگ و فریب سعی دارد که خود را ترقبخواه نشان داده و قدرت توده ها را به نردبان خود برای کسب کامل قدرت مبدل سازد. بورژوازی سیستم اعمال

فریبکارانه سعی می کند مخالفت خود را با حکومت و شیوه حکومت قرون وسطایی قشربون، در لباس آزادیخواهی و مخالفت با ارتجاع پنهان سازد و از این طریق توده های ستمدیده را تحمیق کرده و به خدمت آمال ضد انقلاب خود در آورد.

بورژوازی با تاکتیکهای بسیار زیرکانه ای می کوشد تا از مخالفت مردم، بر علیه پاسداران و جنایات فجیع آنان به سود خود بهره گیری کند و برای ارتش سرکوبگر ایجاد محبوبیت نماید. اومی کوشد تا مخالفت توده ها را با نیروهای مسلح سرکوبگر به مخالفت پاسداران منحصر ساخته و از این طریق هر چه بیشتر به احیاء ارتش و دیگر دستگاههای سرکوب پیشین که ارگانهای واقعی سرمایه داری و امپریالیسم برای سرکوب جنبش توده ای هستند به پردازد و از این طریق قدرت راقبضه گسسته و موقعیت خود را مستحکم سازد. مخالفت های بورژوازی با سیستم حقوقی و اداری قشربون با هدف قبضه کامل این سیستم هاسورت

بخش انحصاری پیشین که حاکمیت را در دست خود داشت، اکنون می کوشد تا دلالتان سیاسی را به واسطه ای برای انتقال قدرت از چنگ خرد بورژوازی به چنگ خود یعنی به چنگ امپریالیسم تبدیل نماید. این دلالتان نقاب ملی و آزادیخواهی برجسته زده اند و در حال حاضر از جنایات قشربون مرتجع به سود منافع غارتگرانه خود با هوچیگری و عوامفریبی زندانهای بهره گیری می نمایند. این بخش از بورژوازی که به علت قدرت اقتصادی خود از افتخار تحت الحمایگی همه جانبه امپریالیسم برخوردار است، اکنون در نظر بخش دیگر بورژوازی با همان بورژوازی غیر انحصاریه متابه یک ناجی خطرناک جلوه می کند. این بخش از بورژوازی بیم دارد که بورژوازی بزرگ با تکیه بر قدرت انحصاری خود همه قدرت سیاسی راقبضه کند و برای آنها همگان محدودیت هایی را ایجاد کند که رژیم شاه برای آنان ایجاد کرده بود. این است منشأ واقعی ترس این بخش از بورژوازی به قدرت رسیده و همین است مبنای کذافی شعارهای لیبرالی آنان. در موقعیت کنونی سرمایه داری وابسته در جامعه ما، شعار آزادی خواهی بورژوازی در نهایت مفهومی جز آزادی بسط وابستگی و آزادی برای تنظیم این وابستگی به تناسب موقعیت کسب بورژوازی نمی تواند باشد. امپریالیسم که سلطه خود را بر سیستم اقتصادی موجود حفظ نموده است از طرق مختلف می کوشد تا سیاست کلا و وابسته و مناسب آمال خود را در مبین ما پیدا کند و در این روند چشم او بیش از همه به حرکات بورژوازی بنفقه های آن

دوخته شده است. امپریالیسم کوششهای خود را برای احیاء کامل سلطه سیاسی پیشین بر اساس سلطه اقتصادی خود و با تکیه بر بورژوازی به ویژه بورژوازی بزرگ صورت میدهد. لیکن او همچنان که تجربیات خلق ما بویژه در ۲۸ مرداد نشان داد و همچنانکه عملکرد امپریالیسم در تمام کشورهای تحت سلطه نشان میدهد، برای دستیابی به هدف فوق همواره یک رشته نقشه های پنهانی و توطئه گرانه را جهت احیاء مل ارتش و قرار دادن مهره های وابسته خود، در پست های حساس آن بکار می بندد. و اینک تا حدی در این امر موفق شده است. در آینده کودتا آمیزی محتمل شمرده می شود. او مخفیانه مهره هائی همچون چمران و مدنی و قطب زاده را در آستین کشاد خرده بورژوازی حاکم می پروراند و حتی آنچنان تبلیغاتی را بشیوه آمریکایی برای این مهره ها به پیش می برد و چنان از مهره های خود شخصیت سازی می کند که قشربون مرتجع در این زمینه به گرد آنها نمی رسند. هر گاه به نمونه های از این توطئه ها از جمله به نقش مدنی و چمران در خوزستان و کردستان و زمره ریاست جمهوری امثال مدنی ها اشاره کنیم مسئله بهتر قابل درک خواهد بود. اما عوامل امپریالیسم کوشش خود را برای قبضه قدرت سیاسی تنها بر قبضه نبض آن یعنی ارتش منحصر نمی کنند. آنها هم اکنون در مجلس خیرگان، در کمیته ها و وسایله پاسداران بقیه در صفحه ۱۱

دانش آموزان و دانشجویان انقلابی باید بکوشند تا با آگاهی کامل در انطباق هر چه بیشتر مبارزه خود با حرکت تاریخی پرولتاریا گام بردارند.

می سازند. ۱۳ آبان ماه سال ۵۷ یکی از همان لحظات دوران سازند است که نه تنها در این زمان بلکه در تمام آینده های که در پیش داریم، یاد آوری آن همیشه نیرو بخش صوف رزنده ما و کار ما بخش بیکار پیگیر ما علیه اسارت انسانها خواهد بود. در چنین روزی دانش آموزان انقلابی کوچک ها را به روزگامی خونین بدل کردند و با مشت های گره کرده و ایمانی تزلزل ناپذیر، سنگر به سنگر در برابر هجوم ارتش ارتجاعی شاه به مقاومت پرداختند و با خون خود نابودی گریز ناپذیر رژیم وابسته را تسریع نمودند. رژیم در برابر سر عظمت این مقاومت متزلزل شد و کابینه شریفی مای خائن ۴۸ ساعت پس از آن سقوط کرد. باروی کار آمدن از هاری، شاه مزدور آخرین تیر ترکش خود را برای سرکوب جنبش رهان نمود. اما جنبش کارگری با استقرار کابینه سیاه نظامیان به سرعت گسترش یافته، آخرین مقاومت ها را در هم شکست و در روند

میان "قشربون" و بورژوازی بر سر قبضه کامل قدرت برقرار است، همراه با دیگر عملکردها و توطئه های آشکار و پنهان امپریالیسم در جهت احیاء کامل وضعیت پیشین دست به دست هم داده و وضعیت را به گونه ای بسیار پیچیده در آورده اند. اینک موقعیت حساس و پیچیده است و مبین مایگی از تعیین کننده ترین لحظات تاریخ خود را سپری می کند. با توجه به همین واقعیت هاست که آموزش از تجربیات گذشته جنبش انقلابی مبینان، مطالعه تجربیات سایر خلقها و فراگیری هر چه وسیع تر مارکسیسم-لنینیسم، اینس اندیشه سترگ همه رنجبران جهان برای دست یافتن به درک درست و روشن از روند تحولات کنونی اهنیتی حیاتی کسب کرده است.

حاکمیت قشربون رانی پذیرد. کمیت ها، شورای انقلاب، سپاه دادگاههای انقلاب، سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفین، مجلس خبرگان، هیچکدام مورد تأکید بورژوازی نیست. او در جهت احیاء دستگاه سرکوب خود یعنی ارتش، ژاندارمری، شهربانی و ساواک هر چه سریعتر وارد میدان شده است. قشربون مرتجع می کوشد تا احساسات

بورژوازی سعی می کند با ماسک گول زنده "آزادی خواهی" و ابراز نسیان از حماقت های خرده بورژوازی به همدردی با دانش آموزان و دانشجویان تظاهر نماید. باید همواره این فریب کاری ها را افشا کنیم.

مذهبی مردم را همچون حربه ای علیه خود آنها بکار برند. اینان به تحمق و تحریک مردم می پردازند و به هر کاری که دست می زنند برای آنان دستمایه شرعی می تراشند و هر مخالفتی را با این عنوان که کفر و زندقه و ضد

ارتش سرکوبگر سعی می کند با تاکتیک های زیرکانه از جنایات فجیع پاسداران و مخالفت مردم علیه آنها برای خود محبوبیت کسب کرده و به سود خود سرمایه داران وابسته بهره گیری کند. این توطئه ها را باید به توده ها بشناسانیم.

خود زمینه قیام شکوهند بهمن ماه را فراهم ساخت. اینک که نخستین سالروز این حماسه انقلابی فرار سیده استند باید بکوشیم هر چه بیشتر و هر چه ژرف تر درسهای خونین آنرا بنام موزیم و در پرتو این درس ها صوف خود را برای مبارزه ای هر چه قاطع تر بر علیه امپریالیسم، استثمار و ارتجاع مستحکم تر کنیم. در چنین لحظاتی بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد که به کمک درس های جنبش توده ای مبینان، و طایف خطمیری را که در پیش داریم به انجام رسانیم. در این زمان مبارزات دانش آموزان و دانشجویان همراه با کارگران، دهقانان، زحمتکشان و همه خلقهای سراسر مبین ماعلیه امپریالیسم، استثمار و ارتجاع بطور دم افزون گسترش می یابد و این در حالی است که هنوز صف مستقل طبقه کارگر شکل نشده و تنها گامی در جهت ایجاد آن

در جهت درست سازمان دهند و توطئه ها را خنثی نمایند. جنبش انقلابی خلق ما هم از نظر وسعت و هم از نظر قدرت یکی از درخشانترین جنبش های توده ای تاریخ بود. لیکن فراهم نبودن شرایط ذهنی، نبود رهبری منسجم طبقه کارگر سبب شد که جنبش به نتیجه ضروری نرسد و حاکمیت جدید در جهت پایمال کردن خواسته های توده ها به هجوم و سرکوب اقدام کند. حاکمیت موجود، مرکب از بورژوازی و بخش واپس مانده و رو به زوال خرده بورژوازی، اینک در برابر روند دموکراتیک و ضد امپریالیستی جنبش ایستاده و هر کدام از نیروهای فوق به طریقی می کوشند تا سلطه خود را بر توده ها تحمیل کنند. قشربون در برابر جنبش کارگری و کمونیستی ایران سیاست سرکوبگرانه را در پیش گرفته اند. آنها همچنین

انقلاب است به شدیدترین شکل موجود مورد سرکوب قرار می دهند اینان در حرف به مبارزه می پردازند ولی عمل آنها آب به آستین امپریالیسم می ریزد. قشربون آشکارا بوی پرده همه آزادی هارا پایمال نموده اند و در جهت خفه کردن هر صدای مخالفتی گام برمی دارند. مجلس خبرگان یکی از روش ترین نمونه های تلاش آنان را در پایمال نمودن حقوق مردم زیر لوای شرع نشان می دهد. بورژوازی که هوشیارانه می داند که این قوانین ارتجاعی و این سیستم اداره و سرکوب نتیجه ای جز شکست همه جانبه به دست توده ها نخواهد داشت، در حالی که به شدت از حرکت توده ها در هر اس افتاده، می کوشد از طرق مختلف هر چه زودتر قدرت را به انحصار خود در آورد و سیستم اداره و سرکوب خود را برای مقابله موثر با توده ها مستقر سازد. بورژوازی

می گیرد. لیکن هم اکنون شاهدیم که این دشمنان آشتی ناپذیر زحمتکش چگونه با تبلیغات گوناگون خود را به هیات آزادی خواهان و مدافعان حقوق مردم درمی آورند. اینان احزاب ساختگی خود را ایجاد کرده اند و از طریق وحدت با روحانیون طرفدار خود می کوشند تا با سلاح قشربون به جنگ خود آنها برود و کارهای خود را به اصطلاح سیاسی شرعی بدهند. بورژوازی می کوشد تا از طریق قبضه قدرت و اقتصاد سیاسی جدید، وضعیت اقتصادی قدیم را احیاء نماید و به قول خود از این سیل بنیان کن که حرکت توده ها باشد پیشگیری کند. بورژوازی که بطور حیاتی و اساسی به سرمایه جهانی و امپریالیسم وابسته است تا آنجا که می تواند به تجدید مناسبات پیشین می کوشد و کوششهای خود را بطور دم افزون شتاب داده و حتی بطور آشکار تبلیغ می نماید. جیره خواران رژیم شاه، مشاطه گران زبردست دیکتاتوری و مخالفین کاغذین دیروز، امروز به هیئت مصلحین اجتماعی درآمده و از مصیبت های مملکت و ملت دم می زنند. اینها در هر کجا که باشند و در هر لباسی که باشند کمابیش حرف واحدی می زنند. جان کلام آنها همواره و در تمام موارد این است که استثمار طبقه کارگر و زحمتکشان لازم است. و این استثمار سیاست زیرکانه خاص خود را می طلبد. سرمایه داری بزرگ وابسته با همان

گرامی باد خاطر شهسادی بخون خفته خلق

مراسم ائمه شهادت ۱۳ آبان (شنبه خونین) برگزار شد

دهها هزار نفر از دانش آموزان پیشگام تهران به مناسبت گرامی داشت خاطره شهدای بخون خفته ۱۳ آبان، شنبه خونین مراسم در دانشگاه پلی تکنیک تهران برگزار کردند.

در این مراسم که روز یکشنبه ۱۳ آبان برگزار شد، دانش آموزان پیشگام شهرداری، دانش آموزان گذشته که با قهر مانده‌ای خود حکومت شاه را یک قدم دیگر عقب بردارند، تحلیل نمودند و ضمن بررسی جزئیات مختلف دانش

آموزی، چشم انداز بیوند دانش آموزان کردند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز در پیام خود به مناسبت این روز تاریخی و با توجه به نقش ارزنده‌ای که برای جنبش دانش آموزی و دانشجویی در مبارزات انقلابی خلقهای ایران قائل میباشند ضمن تحلیل مختصری از وضعیت جامعه، واقعاتی نقش فریادگارانسه پوروزی در مورد وظیفه مردم دانش آموزان و دانشجویان، انقلابی خاطر نشان ساخت که دانش آموزان و

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مناسبت سالروز ۱۳ آبان

توطئه‌های امپریالیسم و بورژوازی را...

۱۳ آبان را گرامی بداریم.

بقیه از صفحه ۱۰

به اشکال مختلف نفوذ کرده و سعی دارند تا از این طریق ارکانهای خود را بورژوازی را نیز نفیض کنند و به سود خود به حرکت درآوردند. با در صورت عدم کامیابی آنها از این میان بردارند، امپریالیسم و عمال آن با نقشه‌های حساب شده می‌کوشند تا قشریون مرتجع را به هجوم هر چه وسیع تر علیه جنبش کمونیستی برانگیزند و تاکنون در این سیاست خود موفق بوده‌اند، بایک بررسی ساده از کارکرد حاکمیت موجودا شکار می‌شود که طی ماههای اخیر عمده نیروی آن صرف سرکوب جنبش کمونیستی و جنبش کارگران و زحمتکشان و سرکوب مبارزه موکراتیک خلقهای ایران شده است و همین مسئله به سادگی هم ماهیت حاکمیت موجود و هم میزان موفقیت امپریالیسم را در پیشبرد نقشه‌هایش نمودار میسازد. آن دست‌آورد تاجران شاه دوست که اینک در یافتن در این شرایط شاه دوستی عین بی سیاستی است اکنون پشت سر بختار جمع شده‌اند و حمایت از بختار را در لویا تقویت و دفاع از امتان مدنی‌ها پیش می‌برند. اینان نیز به نوبه خود شعارهای مردم فریبی را علم می‌کنند و از لزوم آزادی می‌زنند و اینچنان و آنجا با اتخاذ نینزنگهای بسیار زیرگانه می‌کوشند تا خود را مخالف سرکوب خونین مردم مبارز توسط قشریون جلوه دهند.

چنین است شمای از وضعیت پیچیده و موقعیت حساس و خطیر کنونی. در چنین موقعیتی هرگونه ساده‌نگری و غفلت چه بسا که فاجعه‌ای در پی داشته باشد. رضایتی دم‌افزون و مبارزه گسترش یافته توده‌های تحت‌تسم و خلقهای تحت سلطه میهن ما علیه ارتجاع سرکوب و علیه استثمار و امپریالیسم اگر با آگاهی و هوشیاری نیست به تحولات کنونی صورت نگیرد، اگر این مبارزات عادلانه تحت رهبری طبقه کارگر قرار نگیرد دوبه گونه‌ای درست رهبری نشود. اگر هر چه مورج بر روند مبارزه چیره گردد و در سازمان بافتگی جایگزین لجام گسیختگی نگردد، هر آینه ممکن است که مبارزه نتایجی عکس اهداف خود به بار آورد. این حقیقتی است که عدم توجه به آن چیرگی جزئی توجهی به منافع توده‌ها و بی توجهی به سرنوشته جنبش نخواهد بود. مبارزه علیه ارتجاع و مبارزه در

جهت کسب حقوق موکراتیک و در نهایت مبارزه برای نابودی وابستگی و استثمار تنها و تنها با تکیه و تکیه بر طبقه کارگر و تحت رهبری سنجیده این طبقه است که می‌تواند پیروزی واقعی کسب کند. لزوم تأمین این رهبری و وظایفی بس سنگین و حساس را بعهده مارکسیست لنینیست‌ها می‌گذارد که در اس این وظایف و اساسی ترین آنها برقرار نمودن پیوند سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر است. بدون درآمیختن آگاهی سوسیالیستی با حرکات خودانگیخته کارگران و بدون پیشبرد امسر سازماندهی این حرکات و بسندون دستیابی به نتیجه منطقی این پروسه‌ها که همان تشکیل حزب طبقه کارگر باشد، سخن از رهبری جنبش و بالاتر از آن سخن از پیروزی واقعی جنبش تنها پنداری بی پایه خواهد بود.

غلبه بر بی برنامه‌گی و پراکندگی درون جنبش کارگری و جنبش کل توده‌ها و خلقهای میهن ما، آن وظیفه‌ای است که اگر درست انجام نگیرد، جنبش را با خطرات جدی و مرکب‌اری روبه‌رو خواهد ساخت. عمده ترین این خطرات در شرایط کنونی آن است که دست‌آورد جنبش طبقه کارگر و تولا شمای زحمتکشان و خلقهای ایران برای رهائی از ستم امپریالیسم و سرمایه داری یک بار دیگر به غارت رود. این خطر که ملا وجود دارد همانگونه که قیام خونین خلق علیه رژیم دیکتاتوری به علت پراکندگی در جنبش کارگری و نبود صف مستقل آن توسط ارتجاع قشری تحت‌لویا دفاع از اسلام به تاراج رفت، یک بار دیگر مبارزه موکراتیک، ستم امپریالیستی و رهائی طلبانه طبقه کارگر و سوا بر اقتشار خلق ماکه باید لزوماً به استقرار جمهوری، موکراتیک خلق بیانجامد توسط بورژوازی و تحت لویا دفاع از آزادی به تاراج رود.

اکنون باید هرگونه ارزیابی سازگسترش، رشد و اعتلا جنبش حای توجیه کافی به عنصر آگاهی سازماندهی و رهبری در این جنبش باشد و تنها با چنین دیدی می‌توانیم مطمئن باشیم که درک درستی از سمت گیریهای مثبت و منفی جنبش داریم. در این مقطع مبارزه علیه امپریالیسم، استثمار و ارتجاع از کاتال تلفیق آگاهی با حرکات

به مناسبت شصت و دومین سالروز انقلاب کبیرا کتبر

انقلاب کبیرا کتبر به منزله ...

وقددرات انقلاب، وابسته به آن است که این جماعت زحمتکش شهروده در مبارزه برای به دست آوردن قدرت از کدام طرف پشتیبانی کند، از بورژوازی یا از خیره پرولتاریا... انقلاب کتبر پیروز گردید، چون توانست ذخیره‌های دهقان بورژوازی را از کف وی خارج کند، چون توانست این ذخیره را به سوی پرولتاریا جلب نماید و پرولتاریا در این انقلاب یگانه نیروی رهبری توده‌های میلیونی مردم زحمتکش شهروده گردید.

کسی که به این مسئله پی نبرد آنکس هیچگاه نه چگونگی انقلاب کتبر، نه طبیعت دیکتاتوری پرولتاریا و نه بالاخره وضعیت اختصاصی سیاست داخلی حکومت پرولتاریائی ما را خواهد فهمید. دیکتاتوری پرولتاریا صرفاً عبارت از قرار گرفتن در اس حکومت نیست، دیکتاتوری پرولتاریا اتحاد طبقاتی پرولتاریا و توده‌های زحمتکش دهقانان است که برای سرنگون ساختن سرمایه‌بهری و پیروزی نهائی سوسیالیسم، منتها با این شرط که نیروی رهبری کننده این اتحاد، پرولتاریا است، برقرار می‌گردد. رفیق استالین همچنین در مورد شرایطی که پیروزی انقلاب کتبر را فراهم کرد، می‌گوید:

"صرف نظر از موقعیت خارجی یک سلسله شرایط مساعد داخلی بود که پیروزی انقلاب را آسان کرد. مهمترین آنها عبارتست از: اولاً انقلاب کتبر با فعال ترین وجهی از طرف اکثریت عظیم طبقه کارگر روسیه پشتیبانی می‌شد. دوم دهقانان فقیر اکثریت سر بازان که تشنه صلح زمین بودند از انقلاب کتبر پشتیبانی قطعی می‌نمودند.

سوم انقلاب کتبر در اس خود نیروی رهبری کننده‌ای چون حزب آزموه بلشویک را داشت که منتها تجربه و انضباطی که طی سالیان در از قوام یافته بود، بلکه ارتباط‌های پر دامنه این حزب با توده‌های زحمتکش نیز آن را نیرومندی ساخت.

چهارم - انقلاب کتبر در مقام بل خود بورژوازی کم و بیش ضعیف و طبقه ملاکین را داشت که از عصیان‌های دهقانان کلا را وحیه خود را باخته بودند و همچنین احزاب سازشکاری همچون منشویک‌ها و س-ارها را که طی جنگ ویرانگری آنان به حد کمال رسیده بود و دفع آنها کار آسانی بود...

برقرار با اتحاد کارگران و همه زحمتکشان سراسر جهان هر چه بتوان تریا د جنبش پرولتاریائی سراسر جهان پیروز با مبارزه برای رهائی و سوسیالیسم زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاری

ماه مناسبت سالروز انقلاب اکثریوبه منظور استفاده از تجربیات تاریخی و شناخت علل و چگونگی این انقلاب، مختصری از مبارزات پرولتاریا و سایر زحمتکشان روسیه را بخصوص در مقطع دو انقلاب فوریه و اکتبر در شماره آینده چاپ خواهیم کرد.

پرولتاریای روسیه این پیشتر از پرولتاریای جهان، تحت رهبری آموزگار و رهبر پرولتاریای جهان لنین کبیر، پرچم ظفر نمون انقلاب سوسیالیستی را در روسیه برافراشت پرولتاریای روسیه برای اولین بار آن رسالت عظیم را که تاریخ بر عهده پرولتاریا گذاشته است و مارکس و انگلس بنیانگذاران کبیر سوسیالیسم در نوشته‌های خود به آن تأکید داشتند، نشان داد. پرولتاریای روسیه در عمل صحت نظریه‌های سوسیالیسم علمی را به اثبات رساند.

لنین درباره اهمیت انقلاب کتبری می‌گوید: "انقلاب کتبر به همه کشورهای جهان راه سوسیالیسم را نشان داد و به بورژوازی خاطر نشان ساخت که دوران عظمت و شکوهش پایان یافته است."

در طول تاریخ انقلابات زیادی به وقوع پیوسته است اما انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت غیرات عظیمی در سطح جهان پدید آورد. هیچ انقلاب دیگری این چنین تأثیری زرف بر زندگی و سرنوشته بشریت نداشته است. انقلاب کتبر بشارت دهنده آغاز عصر سرنگونی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن به سوسیالیسم است.

انقلاب کتبر بشارت دهنده عصری است که توده‌های خلق کشورهای تحت سلطه از پیوغ امپریالیسم و ستم رهائی می‌یابند. انقلاب کتبر سر آغاز عصر انقلابات پرولتاریائی و انقلابات رهائی بخش خلقهاست.

انقلاب کتبر تأثیری است بر لنینیسم، بر تکامل خلق مارکسیسم تأثیری است بر استراتژی و تاکتیک حزب بلشویک تحت رهبری لنین و تأثیری است بر انقلاب تهرامیز و دیکتاتوری پرولتاریا. این جوهر انقلابی مارکسیسم - لنینیسم و پاسخ دندان شکنی است که به اپورتونیست‌های فرمسیست و تجدید نظر طلب که خائنانسه می‌کوشند با رسوخ ایدئولوژی بورژوازی در درون جنبش کارگری مارکسیسم را از جوهر انقلابی آن تهی کنند و سلطه بورژوازی را طولانی تر سازند.

انقلاب کتبر به دیکتاتوری بورژوازی در روسیه پایان بخشید و جامعه را از شر انگل های مفت‌خوار سرمایه‌داری زمین دار نجات داد. انقلاب کتبر حکومت زحمتکشان، رفیق استالین درباره خصوصیات انقلاب کتبری می‌گوید:

"مسئله توده‌های زحمتکش خرد بورژوازی شهروده و مسئله جلب این توده‌ها به طرف پرولتاریا

ماه مناسبت سالروز انقلاب اکثریوبه منظور استفاده از تجربیات تاریخی و شناخت علل و چگونگی این انقلاب، مختصری از مبارزات پرولتاریا و سایر زحمتکشان روسیه را بخصوص در مقطع دو انقلاب فوریه و اکتبر در شماره آینده چاپ خواهیم کرد.

گرامی باد ۱۳ آبان ماه سالروز پیکار پرشکوه دانش آموزان میهن ما استوار با دهمیستگسی کارگران، زحمتکشان و همه خلقهای ایران پیروزی با جنبش رهائی بخش خلقهای ایران گرامی باد با شهادهای به خون خفته خلق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۱۳ آبان ماه ۵۸

سالگرد انقلاب کبیرا کتبر را به پرولتاریا و همه زحمتکشان جهان تبریک می‌گوییم

گرامی باد * خاطره پر شکوه رفقای شهید

گرامی باد رفقای شهید .
چنگیز قبادی - مهنوش ابراهیمی - محمد علی سالمی ، منوچهر بهائی - پروین فاطمی ، همایون کتیرائی ، بهرام طاهرزاده ، ناصر کریمی ، هوشنگ تره گل .
رفقای شهیدی که از آنها یاد می کنیم ، عمدتاً در مهرداد سال ۵۰ در اوج شکوفایی جنبش مسلحانه جوانان باخندند . گروهی از آنان در جریان محاصره خانه های تیمی در خیابان ابطنی و به راه آذری به شهادت رسیدند و گروهی دیگر از رفقای فدائیان خلق بودند ، که در سپید دم روز یکشنبه ۱۷ مهر ماه ۵۰ به جوخه اعدام سپرده شدند .



شهادت مهندس ابراهیمی در جریان محاصره خانه های تیمی



رفیق فدائی شهید سید نوزادی



رفیق فدائی شهید علی سالمی

در نخستین روزهای مهر ماه سال ۵۰ ، خانه تیمی رفقا دکتر چنگیز قبادی ، محمد علی سالمی و حسین سید نوزادی در سیه راه آذری به محاصره مزدوران در آمد و این رفقا پس از یک درگیری طولانی و نبردی قهرمانانه به شهادت رسیدند .

دانشجوی پزشکی بود از دواج کرد پس از پایان تحصیلات در سال های ۴۸-۴۷ در روستای دودانگه هزار چریب به درمان روستائیان پرداخت . در همین حال بار فقای بنیانگذار سازمان چریک های فدائی خلق مانند رفیق عباس مفتاحی در ارتباط نزدیک بود . در تیرماه سال ۱۳۵۰ که او و مهنوش و دو رفیق دیگر برای شناسایی مناطق جنگلی مازندران رفتند ، مورد سوءظن قرار گرفتند و دستگیر شدند . اما در این دستگیری رفیق قبادی با استفاده از غفلت مامورین ، در جاده شاهی ساری اتومبیل را از مسیر منحرف و واژگون ساخت و به همراه مهنوش به سلامت گریخت و به تهران آمد . (دور رفیق دیگر که دستبند به دست داشتند ، در همانجا مورد اصابه

کلوله قرار می گیرند و موفق به فرار نمی شوند) . این رفقا در تهران با دشواری زیاد موفق به برقراری ارتباط با سازمان می شوند . رفیق چنگیز قبادی فرمانده تیمی می شود که رفقا سالمی و سید نوزادی عضو آن بودند . و رفیق مهنوش نیز به تیم دیگری ملحق می شود .

* رفیق محمد علی سالمی در سال ۱۳۲۵ در کرمانشاه متولد شد . پس از تحصیلات ابتدائی و متوسطه در دانشکده او با رفقا مهدی سوالونی و حسین سید نوزادی آشنا شد و مطالعات سیاسی خود را آغاز کرد . این رفقا از طریق رفیق سوالونی با رفقای دیگر شاخه مشهد ، حمید توکلی و بهیم ازنگ و غلامرضا گلوئی در ارتباط قرار گرفتند . این رفقا پس از پایان تحصیلات (در سال ۴۹) دوره خدمت وظیفه را تمام گذاشتند

و در سال ۵۰ به خانه های تیمی در تهران پیوستند . رفیق سوالونی که در مرداد ماه ۵۰ در سریک قرار دستگیر شده بود ، در تاریخ ۱۲ بهمن ۵۰ به جوخه اعدام سپرده شد و رفقا سالمی و سید نوزادی در کنار رفیق چنگیز قبادی قهرمانانه شهید شدند . به این ترتیب این سه بار جدانشدنی و سه رفیق دیرین هر سه جان در راه آرمان سرخ خویش و خلق خود و طبقه کارگر گذاشتند .

پس از حادثه سه راه آذری ضربه به تیم دیگری که رفیق شهید عباس جمشیدی رودباری فرمانده آن بود منتقل شد . (در این میان رفیق سرکاری از اعضا این تیم در سر قرار یافتیم رفیق قبادی دستگیر شد و در ۲۲ اسفند ۵۰ در کنار رفقای شاخه تبریز در برابر جوخه

اعدام ایستاد) . پس از دستگیری رفیق سرکاری به تفقای تیم خیابان ابطنی تصمیم به تخلیه خانه می گیرند . ساعت ۵ صبح روز یکشنبه (۶ مهر ماه ۵۰) رفقا مهنوش ابراهیمی و منوچهر بهائی پور با کلبه مواد منفجره و اسلحه موجود ، خانه را ترک می گویند . اما دیگر دیر شده بود . رفقا خود را در محاصره مأموران می یابند . مقاومت دلیرانه این دور رفیق به رفیق فرمانده تیم (عباس جمشیدی رودباری) اجازه می دهد که خط محاصره را بشکند و به سلامت به رفقای تیم های دیگر ملحق شود . (یک رفیق دیگر که از اعضای جدید بود و هنوز مسلح نبود دستگیر می شود) رفیق بهائی پور در نزدیکی خانه به شهادت می رسد و رفیق مهنوش ابراهیمی که در زیر بقیه در صفحه ۹

گرامی باد یاد شهید دکتر حسین فاطمی

شرکت کرد و در راه آن جان باخت . او به خوبی می دانست که قطع مناسبات اقتصادی و برچیدن سلطه امپریالیسم جز با قطع کامل روابط اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم میسر نیست . دکتر حسین فاطمی ، برخلاف دیگر بقیه در صفحه ۹

دکتر حسین فاطمی در مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران و جریان ملی نمودن صنایع نفت ، نقش ارزنده ای داشت . دکتر حسین فاطمی هم رزم و همسنگر دکتر محمد مصدق با اعتقاد راسخ و عزم آهنین در این مبارزات

قانون زمینداری و احیای ارضی یک قانون ضد دهقانی و ضد انقلابی است

در صفحه ۹
توضیح ...
متن زیر در شماره قبل ، متن تصحیح شده آن در این شماره به چاپ می رسد .

به دعوت دانش آموزان پیشگام
مراسم بزرگداشت
شهدای ۱۳ آبان
(شنبه خونین)
برگزار شد
در صفحه ۱۱
متن پیام سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران بمناسبت
۱۳ آبان در صفحه ۱۰

اخیر در جزوه به نام های مبارزه با انحصار طلبی ... و " بحث حول مبرترین مسائل جنبش کارگری " توسط یکی از محافل هوادار به نام " راه فدائی " چاپ و انتشار یافته است . در مقدمه این جزوات بخصوص در شماره یک آن مطالبی نوشته شده که این توهم را به وجود آورده است که نویسندگان جزوه ها ضمن عضویت در سازمان تصمیم به انتشار نظرات خود گرفته اند . در این رابطه سازمان لازم می دانست توضیح دهد که نویسندگان جزوات گرچه همکاری هایی با سازمان داشته

تظاهرات ده ها هزار نفری خلق کرد در سنج و مهاباد آنها یکمدا فریاد می زدند: " در ییکار خلق کرد سازشکاری محکوم است "



سنج - صحنه ای از تظاهرات و راهپیمایی خلق کرد برای گرامی داشت شهیدای جنگ خونین کردستان
عید قربان ۱۰ سال در کردستان که به گرامی داشت شهیدای خلق کرد اختصاص یافته بود بر مزار شهیدای جنگ خونین اخیر و بزرگداشت یاد آنها برگزار شد .
در شهرهای کردستان بخصوص در مهاباد و سنج تظاهرات و راهپیمایی های باشکوهی صورت گرفت . در مهاباد مردم از ۶/۳۰ صبح بر مزار شهیدان گرد آمده ، سین در خیابان ... به تظاهرات و

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد؟ چرا نخست وزیر منتخب امام سقوط کرد؟

بازرگان سقوط کرد و شورای انقلاب اسلامی زمام امور را قبضه کرد. این تغییر به دنبال یک سلسله تشنجات و برپا پیرشد تصادف های دروسی جناح های هیئت حاکمه به وجود آمد. اما برای اینکه درک درستی از علل و اسباب این امر داشته باشیم، ضرورتاً باید هم وضعیت حاکمیت را در برابر جنس توده های وهم وضعیت درونی و جناح بندی های هیئت حاکمه را

کارگران آگاه می خواستند... سرنگونی شاه حکومتی روی کار بیاید که حافظ منافع مردم و در رأس آن طبقه کارگر باشد. کارگران آگاه خواستار استقرار مکرر و واقعی بودند. حکومتی که اساس آن بر حاکمیت شوراها و انقلابی کارگران و دهقانان استوار است. زیرا این تنها حکومتی بود که کارگران می توانستند از طریق آن نظام ظالمانه و ضد انسانی

لیبرالهایی که قبل از قیام سعی می کردند شاه را از قیام توده ها بترسانند و از این طریق برای خود امتیازاتی کسب کنند، پس از قیام کوشیدند به همان گونه ترس قشریون مذهبی را از ابعاد حرکت توده ها و جنبش کمونیستی ایران دامن بزنند و برای خود مقبولیتی دست و پا کنند.

بررسی نمائیم. پیش از همه باید از خود بپرسیم.

بررسی نمائیم. پیش از همه باید از خود بپرسیم.

"چرا مردم زحمتکش و ستمدیده ما قیام کردند؟"

در جنبش توده های کلام مشترک همه مردم "مرگ بر شاه" و "مرگ بر امپریالیسم" بود. مردم رژیم وابسته شاه را عامل ستم و فقر و فلاکت خود می دیدند. آنها می دیدند که رژیم دیکتاتوری با زندان ها و شکنجه ها، با استفاده از ارتشی که تا بن دندان به سلاح های امریکائی و اسرائیلی مسلح بود، با سازمان امنیتی که به مخوفترین وسایل شکنجه مجهز شده بود، ایرانی ساخته بود که در آن هر صدای جز صدای "آریامهری" به خونین ترین شکل خاموش می شد. آنها می دیدند که در رژیم شاه هر روز معدودی داوران تروانیه و خانه خراب تر و فقیرتری می شدند. آنها می دیدند که چگونه

نمایندگان سرمایه داری وابسته کوشش می کنند اتحاد خود را با ارتجاع قشری بر اساس موضع مشترکشان در سرکوب جنبش کمونیستی تحکیم بخشند.

در بالای شهر "کاخ هاسره فلک می کشند و در "یائین شهر" حتی بیفوله های راهم که مردم برای سرنهانشان ساخته اند با بولد زر بر سرشان خراب می کنند. با آگاهی از همین واقعیت و با نفرت از همین وضعیت بود که توده های میلیونی میهن ما به خشم و خروش درآمدند. کارگران مادست از کار کشیدند و قهرمانان عدل و مقابل رژیم پستادگی کردند و برادری می خواستند در فقر و گرسنگی به سر برند. آنها قیام کردند. زیرا در جامعه ای به سر می بردند که هرگونه حقوق اجتماعی و سیاسی محروم بودند. و پاسخ هر انضامی حق طلبانه آنها رگبار مسلسل های رژیم شاه بود. آنها در نابودی رژیم پهلوی محرومیت خود را می دیدند. آنها قیام کردند و برادری می خواستند سره جانشان شهد سرمایه داران شود.

سرمایه داری را براندازند و جامعه سوسیالیستی را برپا دارند... جامعه ای که طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در آن از حاصل کار خود بهره مندی شوند. دهقانان ایران در جنبش شرکت کردند زیرا در دوران دیکتاتوری و فقر و فلاکت و خانه خرابی گرفتار آمده بودند. گندم و برنج و مرکبات امریکائی و اسرائیلی به خود معدودی دلال انحصارگر بازار را تسخیر کرد. مزارع و شالیزارها و باغات کشاورزی ایرانی را به براندازند و تبدیل نمودند. بانکها دهقانان را چاپیدند و به افلاس و ورشکستگی آنها دامن زدند. اکثریت بزرگی از زحمتکشانی روستاهای ایران زمینهای خود را از دست دادند و به شهرها کوچ کردند و سرمایه داران به بهای فقر و گرسنگی و بیماری و غربت آنان سرمایه های خود افزودند و گونه های گلگون خود را گلگون تر ساختند. برای کشاورز ایرانی جنبش انقلابی نویدبخش آینده ای بود که دیگر بانک ها او را سچاپند، تلف خرها و اوراقات نکند، زاندارم ها او را سرکوب نکنند و همه محصول کارش به خود وی تعلق داشته باشد و با تشکیل شوراهای دهقانی، اتحادیه های تعاونی و با اعتراضات و کک های دولتی مورد حمایت قرار گیرد. کسب و پیشه وران جزئی نیز در راهبیمائی ها و در مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری شرکت کردند زیرا خاطر ورشکستگی، تنرس دائمی شان بود و هجوم سرمایه های لجام گسیخته به طور دم افزون عرصه را بر آنان تنگتر و تنگتر می کرد. آنها خواهان نابودی رژیم بودند و بر اینگونه شرکتی در حیات سیاسی جامعه نداشتند و اوجحاف فراوانی بر آنان روا می شد. کارمندان جزو صاحبان حربه های آزاد در انقلاب شرکت کردند زیرا رژیم سیاسی و فرهنگی و اراستمار و تبعیض، ارفشار زندگی گزافی، کمبود مسکن، غارتگری بانک ها و غسره به تنگ آمده بودند. آنها را رنج و تحقیر در محیط کار رنج می بردند و خواهان پایان دادن آن بودند. دانشجویان و دانش آموزان در جهت سهروری مردم میهن خود و در جهت استقلال و آزادی و کسب

حقوق دمکراتیک فعالانه جنبش را یاری کردند، در این راه خون ها دادند و حماسه ها آفریدند. همه این نیروها، کارگران دهقانان، کسب و پیشه وران، سربازان و درجده داران همراه با میازین با شعار "مرگ بر شاه" و "مرگ بر امپریالیسم" به پای خاستند تا به زندگی اسارت ساز خود خاتمه دهند و هر یک بنا به موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود و بنا بر امکانات خود در جهت تغییر وضع و فراهم کردن شرایط اجتماعی مطلوب خود بودند. اما بینیسیم نتیجه چه شد؟

به علت فقدان صف مستقل و سازمان سراسری طبقه کارگر که شرط لازم برای تأمین رهبری طبقه کارگر است و روحانیت با استفاده از دوامک اساسی تبلیغی و ترویجی و ارتباط وسیع و مستقیم با توده ها - از طریق تشکلات مذهبی - سنتی - بهره گیری از شعار همگانی "مرگ بر شاه" توانست جنبش را در پس

مبارزه بین بازرگان و قشریون و سقوط بازرگان و پذیرش وی در شورای انقلاب نشان می دهد که قشریون به همان اندازه که از لیبرال ها بیبیمنا هستند، همان اندازه نیز به آنها محتاج و امیدوارند.

برچم خود سمت دهد و مردم را تحت رهبری خود سیخ نماید. روحانیت با کسب اعتماد دایم مدعی توده ها و غربت آنان ارشاه مردم یک حیران اقتصادی و سیاسی، شعار "حمیوری اسلامی" را به مناسبت سپاه در راهای مردم عرضه کرد و با سکوت گذاشتن محتوای مورد نظرش از "حمیوری اسلامی" یعنی ولایت فقیه، آنها می راپدید آورد که هر کدام از نیروهای شرکت کرده در جنبش به دلخواه منافع خود را در آن منعکس شده ببینند.

از نظر قشریون هر کس قصدش از شعار "مرگ بر امپریالیسم" سپردن قدرت به دست قشریون نباشد و از قدرت انقلابی شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، سربازان و مردم زحمتکش دفاع کند ضد انقلاب است.

لیبرالها، یعنی آن بخش از بورژوازی که دیکتاتوری شاه را مانع بر خورداری خود از همه مواهب ناشی از عارت توده های دسدو مدتها بود که غرولندگنان تقاضاهای اریستکراهما بونی می نمود، به محض گسترش جنبش کوشد تا شعار جمهوری اسلامی را به نفع خود و با دسد خود تعمیر نماید و مورد استفاده قرار دهد. آنها که مدتها سعی می کردند شاه را از طغیان توده ها سترسند و از این طریق برای خود امتیازاتی بگیرند، پس از روشن شدن سرنوشت محتوم شاه، در آستانه فنام توده ها انبار کوشدند ترس قشریون مذهبی را از ابعاد حرکت توده ها و جنبش کمونیستی ایران دامن رسد و خود راه عنوان منحصصن پیاده کردن جمهوری اسلامی جازرسند، و از این طریق راه به سوی قدرت بکشاند. لیبرالها که از ابعاد جنبش هراسان بودند از آنجا که خود نمی توانستند آنرا مهار کنند و آنرا آجاکه بر کاسه

عمیقاً پایبندند. لیبرال ها با چنین نیرنگی سعی نمودند سعی می نمایند که سیاست سازشکارانه خود را که هدف آن احیاء مشروطه ای گمشده دم بریده که زیربنای آن همان سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است، به پیش برند و این هدف شوم خود را در برده نیرنگ آزاد پخواهی پنهان کرده خود را دمکرات و طرفدار دمکراسی جا بزنند و از این طریق نیروی سردم را به خدمت نقشه خود در آورند. اینها همانهایی هستند که سالهای سال امپریالیسم را نصیحت می کردند که شاه بهتر است سلطنت کند، نه حکومت.

از آن سو قشریون مرتجم سعی کردند که شعارهای ضد امپریالیستی جنبش را علیه مردم خواست مردم که برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است در خدمت تأسیس و تحکیم ولایت فقیه و سیستم به غایت ارتجاعی خلافت در آورند. ولایت فقیه ای که به علت عدم انطباق طبقاتی اش با آرمانهای حقیقی خرد بورژوازی محکوم به شکست است. هر چند که شکل گیری آن بازتاب آرمان خواهی واپس گرایانه ای خرد بورژوازی باشد. بنا بر این مشاهده می کنیم که به گونه ای مضحک شعار توده ها میان لیبرال ها و قشریون تقسیم شده و هر یک مطابق منافع تنگ نظرانه و ضد کارگری و ضد توده ای خود یکی از این شعارها را مورد سوء استفاده قرار داده اند. ولایت فقیه گرچه با سلطه امپریالیسم در تضاد است اما تضاد آن با واقعیت های موجود بسیار حادث است. قشریون می کوشند مبارزه شان را با حاکمیت امپریالیسم که هدف آن استقرار ولایت فقیه است، همان مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان - که علیه غم ادعای قشریون هدف مستقیم آن استقرار جمهوری دمکراتیک خلق است - جایزنند و از این طریق باردیگر نیروی آنها را به خدمت آمال خود در آورند.

تعلیقات و حرکات ضد امپریالیستی کنونی روحانیت تنها بر اساس تاثیرات متقابل حرکات ضد امپریالیستی خرد بورژوازی تعادل قشریون برای استقرار ولایت فقیه قابل بررسی است. دولت آقای بزرگان منتخب امام بود و شخص آقای بزرگان با راه و پاره ها مورد پشتیبانی امام قرار گرفته است. کارهایی که آقای بزرگان به اجرا در آورده با تأیید شورای انقلاب بوده و هم امروز نیز به شورای انقلاب بازگشته است.

تحلیل است که چرا امام بازرگان را به نخست وزیر انتخاب می کند و این موج جدید چرایی را ساقط می کند از اهمیت ریادی برخوردار است. درگیری درونی هیئت حاکمه بر محور به ساست تحول می نابد. یکی ساست سوانسی قشریون که با نگاه مستقیم آن خرد بورژوازی و این گزافی است که همور از اشکال تولیدی دوران طلوع سرمایه داری کنده نشده است و دیگر سیاست لیبرالهاست که سرمایه داری غیر انحصاری را نمایندگی می کند و بالاخره ساست انحصارات بزرگ وابسته که در سن

ما خواهان قطع کامل روابط اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا هستیم

بقیه در صفحه ۲ ضمیمه

چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر...

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

ارتجاعی ترین تمایلات قشربون خود را پنهان می کند و با هر فرمان قشربون مبنی بر سرکوب توده ها و نجات سیستم ، به ترمیم نهاد های سرمایه داری و احیای ارگان های سرکوب پیشین پرداخته و می گوید ضمن تحکیم این ارگانها رندانه و زور آنه آنها را به تصرف خود در آورد سرمایه داری انحصاری که در نتیجه قیام ضرباتی بس سنگین خورد است اکنون سیاست های خود را در هیأت حاکمه از طریق احزاب سازمان های آشکارا وابسته به خود پیش نمی برد ، بلکه تاکتیکی های بس غیرنرج تئوری را اعمال می کند . عاملین سیاست انحصارات در ظاهر چنان با ارتجاع قشری در آمیخته اند و چنان جانماز آب می کشند که مشخص کردن و متعابز نمودن آن به طور ساده ممکن نیست و تنها با درک روند سیاست انحصارات است که این بازی گران و طراحان توطئه گرا ز پرده بسرون می آیند و ماهیت خود را بیرون می دهند .

مبارزه با سیاست انحصارات بزرگ وابسته که در حاکمیت جریان دارد و ارتجاع قشری پرده ساز آن است در موقعیت کنونی به عنوان عامل سرکوب کننده جنبش توده ای در برابر مافزار داری و در پطن این سرکوب است که "سرنیزه خونین"

قشربون می خواهند تضادهای درونی خود را با بسیج مردم در یک مبارزه "مشروع و بی آزار" با امپریالیسم به نفع خود حل کنند .

امپریالیسم صیقل می یابد و تیزتر می شود سیاست های بورژوازی لیبرال هر چند همان سیاست انحصارات نیست ، لیکن از آنجا که تحکیم سیستم سرمایه داری وابسته را هدف قرار می دهد لزوماً سیاست خود متضاد با سیاست انحصارات وابسته و امپریالیسم است . بازگان برای پیشبرد جنبش سیاسی کوشش می گردید عنوان "نخست وزیر منتخب امام" کام به گام آن را به پیش می راند . ما شاهد بودیم که بازگان به نفع بورژوازی لیبرال و در جهت "عادی کردن وضع" در برابر قشربون که رویای نظام خلافت را در میخبله دارند ، به مخالفت - خوانی هایی می پردازد و شاهدیم که نمایندگان بورژوازی در هیئت

مبارز کردن دامنه نفوذ لیبرالها و مرعوب کردن آنان را با سماجت دنبال کرده و می گویند تا ناتوانی های خود را به این ترتیب جبران نمایند و از کاهش نفوذ اعتبار خود در نزد توده ها جلوگیری کنند .

تسخیر سفارت آمریکا و موضع نیروهای مختلف در برابر آن:

اگر در روزهای قبل از قیام برداشت روحانیت از معنای شعار مرگ بر شاه با برداشت زحمتکشان از شعار مرگ بر شاه تمایز اساسی داشت ، حرکات ضد امریکائی امروز آنان ، شباهتی به مضمون وجهت مبارزه ضد امپریالیستی کارگران و

وابسته ایران داشته باشند ، نه می توانند اساس آن را در گروین سازند . آنها از همان ابتدا با احتیاط کوشیدند تا "استخدام" لیبرالها در حکومت خود این ضعف تاریخی خود را جبران نمایند . از ایس رو آنان می گویند با اتکا به سنت های شیخ و تبلیغ روی رابطه امام و امت و با استفاده از اعتماد توده های گنه به دنبال دارند از لیبرالها به عنوان اهرمهای اجرایی حکومت خود ، برای اداره امور استفاده کنند . آنها در عین حال که می گویند بازگان همان چهره ای که آل نیست و نمی توانند در کمال بدبختی و زبونی و اجبار او را استخدام می کنند تا کارشان را انجام دهد . قشربون نمی توانند در این جامعه قطعه سرمایه داری دولت واقعی خود را

رهبری فاطمانه طبقه کارگر و زحمتکشان . در عصر کنونی مبارزه با امپریالیسم نمی تواند جدا از مبارزه با سیستم سرمایه داری صورت گیرد . جنبش مبارزه ای از عهده قشربون ساخته نیست ، آنان تنها با مبارزه ای سطحی و مهار شده (به شرط حفظ "مالکیت مشروع سرمایه داری") در چارچوب ولایت فقیه موافقت دارند . آنها از شرکت دمکراتها ی انقلابی و به ویژه هواداران راستین طبقه کارگر یعنی کمونیستها در این مبارزه بیم دارند و با وحشت اعلام می کنند آنها می که دور سفارت جمع شده اند ، آنها می که خدای ناکرده می گویند باید سلطه اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی امپریالیسم را بر اندازیم ضد انقلاب اند . قشربون می گویند هر کس میگوید "مرگ بر دمکراتیک" و

حزب توده سعی می کند با فریب طبقه کارگر و توده ها ، مسیر رشد آتی جامعه ایران را در جهت سیاست قشربون معرفی کند ، چرا که این حزب مدت ها است که دیگر به مبارزه طبقاتی اعتقادی ندارد و منادی آشتی طبقاتی و صلح و صفای ابدی است .

زنده باد ولایت فقیه انقلابی است و تمامی آنها می که این کلمات را بگویند صد انقلابی اند . در فرهنگ خاص این قشربون هر کس که قصدش از شعار مرگ بر امپریالیسم ، سپردن قدرت به دست قشربون نباشد و از قدرت انقلابی شورا های واقعی کارگران ، دهقانان ، سربازان و مردم زحمتکش دفاع کند و به همین جهت از "حکومت فقیه" دفاع نکند ، صد انقلابی است ، بنظر اینان هر کس که با اجرات بگوید این نمایشنامه مجلس خبرگان خیل سی مضحک است و هر کس بگوید شکم گرسنه ما هم می خواهد و برای مبارزه با امپریالیسم جفت و قیام مبارزه با امپریالیسم رسمیت شناخت و فعالیت آزاد سازمانهای انقلابی لازم است ، هر کس از خلق وستم مضاعف خلقها سخن گوید و خلاصه هر کس یک جمله ، یک کلمه و حتی یک حرف هم برگشته های آنان بیفزاید یا کم کند توطئه گرو شیطان و خبیث و مفسد است . قشربون می گویند فقط همان حرفهای انقلابی است که از زبان تظهنیز شده چند تن خیره مجلس نشین بیرون می آید و نه جز آن . خلاصه و اقیبت این است که آنها تنها می خواهند تضادهای درون هیئت حاکمه را با بسیج مردم در یک مبارزه مشروع و بی آزار با امپریالیسم به نفع خود حل نموده و همه قدرت را قبضه کنند

در چنین موقعیتی و طایف مارکسیست - لنینیستها چیست؟ ما شاهدیم که بورژوازی عوام فریبانه با بهره گیری از تمایلات دمکراتیک زحمتکشان ، شعار آزادی را اعلام می کند و خرده بورژوازی قشری می کوشد از تمایلات ضد امپریالیستی طبقه کارگر و زحمتکشان به سود خود بهره برداری نماید . بدین طریق هر یک می کوشند تا مقاصد خود را به کرسی بنشانند و خود را نمایندند به روح همه ملت و "مستضعفان" معرفی کنند . در چنین موقعیتی وظیفه ما شرکت هر چه وسیع تر و فعالیتها و آگاهانه تر در جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی توده ها است . بقیه در صفحه ۳ ضمیمه

توده زحمتکش ایران ندارد . آنها تنها با بهره انداختن یک موج کنترل شده بر علیه امپریالیسم فقط نیروی توده ها را به خدمت خود در آوردند و جنبش است که مشاهده می کنیم به جای این که موج صد امپریالیستی در جهت قطع همه جانبه وابستگی به امپریالیسم

چرا حاکمیت گامی پیش نمی گذارد و دنبال اشغال سفارت آمریکا همه روابط اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا را قطع نمی کند؟ چرا می کوشند حرکت توده ها را مهار کنند؟ چرا از گسترش حرکت ضد امپریالیستی توده ها هراس دارند؟ چرا تنها به اشغال سفارت و معاوضه عده ای جاسوس با شاه که مدت ها است برای مردم مبارز ایران مرده است اکتفا می کنند اما به محتوای قطع کامل روابط با امپریالیسم آمریکا توجهی ندارند؟ پاسخ همه این چراها در ماهیت طبقاتی قشربون نهفته است

یعنی تا بودی سیستم سرمایه داری وابسته پیش رو به مرعوب شدن لیبرالها و تحکیم موقعیت شورای انقلاب منتهی می گردد . چرا هیئت حاکمه گامی پیش نمی گذارد و به دنبال تسخیر سفارت آمریکا ، قطع همه روابط اقتصادی و سیاسی - نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا اعلام نمی کند؟ چرا می کوشند حرکت را مهار کنند؟ چرا از بسط حرکت ضد امپریالیستی هراس دارند؟ چرا تنها چهره امپریالیسم را می خراشند ولی آن را به زانو در نمی آورند؟ پاسخ این سؤالات همه در ماهیت طبقاتی قشربون نهفته است . مردم میهن ما خواستار قطع کامل هرگونه وابستگی اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکا و بطور کلی امپریالیسم جهانی هستند . مردم میهن ما می خواهند تا از طریق پیشبرد مبارزه دمکراتیک و ضد امپریالیستی با شرکت و اتحاد همه نیروها سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را بر اندازند و این هرگز میسر نمی شود مگر تحت

تشکیل دهند ، آنها لیبرالها را به کمک فراخوانند و سعی کردند به نیروی بسیج توده ای که به دنبال داشتند لگام قدرت طلبان نریک باز را در دست خود داشته باشد . مبارزه بین بازگان و قشربون و سقوط بازگان و پیزیش و در شورای انقلاب نشان دهنده این واقعیت است که قشربون که فعلاً "هنوز" دست بالا را در قدرت دارند ، به همان اندازه که از لیبرالها بیمناک هستند ، همان اندازه نیز به آنها محتاج و امیدوارند زیرا قشربون برای مقابله با بحران های ناشی از ناتوانی شان در اداره سیستم سرمایه داری وابسته بران که تا نبودی رژیم پهلوی در عمده ترین بخش انحصاری آن دچار است های جدی شده است و تخفیف بحران به کمک آنان سخت نماز دارند . این است محرک اصلی این بیم و امید قشربون در انتخاب بازگان و کنار نهادن آن و فراخواندن وی به شورای انقلاب . از این بازی هادر آینده نیز فراوان خواهیم داشت . در این مقطع قشربون سیاست

حاکمه هر چه بیشتر پشت سر آقای بازگان صف کشیده بودند . تضادهای دو جناح از همان آغاز قیام آشکار بود ، همان جناح ها بر سر فرزندم تو خالی جمهوری اسلامی ظاهر به توافق رسیدند . در مقطع تدارک مجلس خبرگان آشکارا و بروی هم ایستادند ، سپس قشربون که با هدف سرکوب نهضت حق طلبانه خلق گردید به گردستان بورش برده بود از فضائی که به دنبال آن ایجاد شده بود برای مرعوب کردن لیبرالها سود جست و فرماندهی کل قوا حق تدوین قانون اساسی را به انحصار خود در آوردند (و در همین جریان و همین سرکوب بود که چمران به تیز گردن چاقوی امپریالیسم یعنی ارتش پرداخت) . اکنون تضادهای درونی هیئت حاکمه با زهم رشد کرده و قشربون مصمم شده اند که یکبار دیگر خزش لیبرالها به سوی قبضه قدرت را مهار سازند . بر این تضاد و آزاران مهتر بار شد تضاد بین حاکمیت موجود و واقعیت های موجود ، اغلب

اولاین سیاست بر آن است تا مرکز هر چه بیشتر را ایجاد کرده و بازور سرنیزه همه کشور تعمیم دهد . ثانیا می گوید همه ارگانهای پیشین سرکوب توده ها را احیا کرده و برای برنامه های آتی خود آماده سازد . ثالثا دشمن خوین آزادی سیاسی است و از طریق تشکیل و تربیت "باند های سیاه" و تشویق صف بندی بر اساس مذهب ، تشویق سیاست سرکوب نیروهای انقلابی و انحلال سازمانهای انقلابی و مطبوعات انقلابی و پیشرو سیاست خود را پیش می راند . این سیاست خواهان و مشوق محو کامل آزادی های سیاسی است و برخلاف لیبرالها که سیاست انتقاد از قشربون را در پیش گرفته اند و از ولایت فقیه انتقاد می کنند ، تضاد و اختلاف فرد را با قشربون و ولایت فقیه آشکار نمی کنند و سعی دارند از طریق این وحدت لیبرالها را بیرون رانده و سیاست سرکوب متعزز را اعمال نمایند . رابعاً اینان اتحاد خود را با ارتجاع قشری بر اساس موضع مشترکشان در سرکوب جنبش کمونیستی تحکیم می بخشند و بطور پنهان می کوشند تا هر چه بیشتر ضرورت نزدیکی با امپریالیسم را به قشربون اثبات کنند . این سیاست با استفاده از امکانات تبلیغاتی وسیع و علنی ، رسمی و نیمه رسمی ، دائماً علیه جنبش کمونیستی و جنبشهای کارگری و توده ای سیاسی می کنند ، دائماً در تلاشند تا تضادهای درون خلقی را تشدید کنند و به نقطه ستیز بکشانند . و از این طریق انرژی انقلابی نیروها را به انحراف و بی راه ، سوق دهند و در نهایت زمینه را برای قبضه کامل قدرت فراهم سازند . در این زمینه گرایشات ارتجاع مذهبی و قشربون بستر مناسبی برای پیشبرد سیاست آنهاست ، و بر این زمینه با هم اشتراک نظر و عمل پیدا می کنند . با درک این سیاست است که ماهیت عملکردیاند چمران و قطب زاده و بزیدی . . . شناخته می شود و معلوم می گردد که ریش و تمسح آنها با آن فریفتن چه کسانی به بار گرفته می شود .

گسته باد همه وابستگی های اقتصادی ، سیاسی ، نظامی و

چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر

بزرگوار "پس از آن همه" کتاب خواندن ها " و " سی و هشت سال مبارزه بی گریبی امان " هنوز این را درک نمی کنند که کونیست ها "همواره کارگران را متمايز خواهند نمود، همواره جنبه موقتی و مشروط این همبستگی را توضیح خواهند داد، همواره مجزا بودن طبقاتی پرولتاریا را که فردا ممکن است در جبهه مخالف متفقین امر روزی خود قرار گیرد خاطر نشان خواهند کرد" (۱) (مجموعه آثار و مقالات لنین، وظایف سوسیال دموکراتها در روس - صفحه ۶۶). شاید "دانشمندان بزرگوار" کونیستهای ایران را مشمول "همواره" ای که لنین اینچنین بر آن تاکید دارد

متحجر مذهبی از آنجا که در خدمت و بخاطر پیشبرد مبارزه سیاسی و طبقاتی مطرح شده اند نمی توانند در برخورد با حرکت عینی مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی شکسته نشود. بر این اساس، این گرایش روحانیت را بطور کامل از طبقات جدا می کند و مدعی می شود چون جریان تسخیر سفارت آمریکا و سایر حرکات ربطی به مبارزه بطور عینی در حال گسترش طبقات اجتماعی ندارد. لذا پیشگامان پرولتاریا که لزوماً باید بر اساس منافع شخصی و تاریخی طبقه کارگر حرکت کنند نمی بایست در این حرکات شرکت نمایند. این جریان چپ تاکتیکی

مردم را سرعاز دست ندهد. دستگاه روحانیت* بر اساس جبرناشی از گسترش مبارزه طبقاتی لزوماً تجزیه می گردد و دور روند این تجربه در برخورد با منافع واقعی خرد بورژوازی، بخش روحانیت در جهت منافع خرد بورژوازی حرکت می کند. در نتیجه این مردمگم آن سائیده می شود و فرو می ریزد. هم اکنون نیز جریان و قایم کنونی نشان داده است که در مجموع و چهار تجارعی و ضد مکرراتی یک بخش از قشریون در برخورد با منافع واقعی خرد بورژوازی آهسته آهسته سائیده شده مکان و موقع واقعی خود را باز خواهد یافت. نقش و عمل یک جناح

مارکسیست - لنینیستها باید بگویند ما هیت مبارزه ای را که بین خرد بورژوازی قشری و بورژوازی لیبرال در گرفته است در رابطه با منافع مردم زحمتکش توضیح دهند و راه زحمتکش را در رسیدن به دموکراسی توده های از نقشه های خرد بورژوازی قشری و بورژوازی لیبرال و در گریبهای میان آنها متمايز کنند و به توده ها بشناسانند.

می دانند. زیرا این "دانشمندان بزرگوار" مدت ها است که دیگر معتقدیه مبارزه طبقاتی و تمایز طبقاتی پرولتاریا نیستند. آنها منادی آشتی طبقاتی و صلح و صفای ابدی هستند.

از سوی دیگر هستند رفقای صادقی که خود را درگیر مضمسه می بینند. جوهر تفکر آنان که به ویژه در محیط های روشنفکری عمل می کنند حاکی از آن است که آنان قادر نیستند در این حرکت قشریون اساساً بر ستبر مبارزه طبقاتی جریان یافته است. و نه در خارج از آن، این تفکر قادر

"تحریم" را توصیه می کند. آنها چون نمی توانند خود را با مبارزه عینی طبقات به درستی منطبق سازند "آنگاه به چنین نتیجه ای بهانه هائی متوسل می شوند. کوناهای در تصحیح این انحراف در غلغله به آن اپورتونیسمی است که در قیام بهمین ماه نیز توصیه می کرد چون صف مستقل پرولتاریائی وجود ندارد، شرکت خرد بورژوازی تمام خواهد شد. و بنا بر این بر عدم شرکت کونیستها در قیام پای شترد. همچنانکه در آن مورد دیدیم، این بار سز

از روحانیت قشری در جریان تسخیر سفارت شاهدین مدعاست. اکنون شاهد حرکتی هستیم که طی آن یک بخش از قشریون مجبور شده اند آرزوهای واپس گرایانه خود را با روند عینی مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی که حامل گرایش تواما ترفنی خواهانه و واپس گرایانه است در سبب میزند و خود را با واقعیت عینی حرکت تاریخی خرد بورژوازی که لزوماً دوگانگی است منطبق سازند. بخش دیگر نیز خواهد کوشید همین دم که هارا از طریق سرکوب جنبش کونیستی و حرکت توده ها

وقتی امام اعلام می کند فقیه باید ایرانی باشد، این خود به مفهوم نفی یکی از ارکان تئوری ولایت فقیه است. این بدان معناست که قشریت به سود واقعیت می شکند و باید بشکند تا پیوند خود را با منافع طبقاتی معین، محفوظ دارد.

نیست درک کنند که روحانیت قشری در شرایط کونیستی - میشمر آرمانخواهی واپس گرایانه - مبارزه خرد بورژوازی است و مهمتر اینکه نمی تواند از مبارزه طبقاتی بطور عینی در حال گسترش عینی و علی الخصوص مبارزه طبقاتی خرد بورژوازی متاثر نباشد. و باز بگرایا و پیچیدگی هائی به سوی واقعیت کشیده نشود. این دید که روحانیت را از نماینده خود روحانیت بدانیم اساساً غیر مادی و ضد مارکسیستی است. روحانیت که یک نهاد روپائی است نمی تواند از لحاظ طبقاتی به فشار و طبقات مختلف جامعه وابسته نباشد. وجود پاره ای از خصوصیات کاستی در روحانیت نباید به یک درک غیر عامی از آن و از مفهوم "کاست" این گرایش معتقد است اولاً تئوری "ولایت فقیه" نه بر اساس دیدگاههای واپس گرایانه - خرد بورژوازی بلکه تنها بر اساس تعاللات خود روحانیت قشری تنظیم شده و ربطی نه حرکت طبقات ندارد. این گرایش نمی بیند که دم هائی به غاست

اعتقاد داریم تنها و تنها با شرکت فعال در هر حرکت ضد امپریالیستی و دموکراتیک با در دست گرفتن ابتکار عمل و طرح و پیشبرد شعارهای پرولتاریا و سیاست پرولتاریا به ستر حرکت مادی مبارزه طبقاتی است که کونیستها می توانند پیوسته به وظایف اساسی خود که کوشش بی وقفه در راه تعیین سرکردگی پرولتاریا در جنبش خلقی است عمل نمایند. از این رو ما موظف با تبلیغ و ترویج هر چه وسیع تر به کمک افشاکری همه جانبه سیاسی و شرکت فعال در هر نوع حرکت اعتراضی توده ای فرصت ندهیم که برچم مبارزه ضد امپریالیستی بردوش کسانی قرار گیرد که تاریخ رسالت آنان را در انجام چنین وظیفه ای باز ستانده است.

تحمیل نماید. این بخش لزوماً با امپریالیسم پیوند یافته و در خدمت آن قرار گرفته به دستکش مشت یولادین آن بدل خواهد شد. در چنین صورتی این بخش از روحانیت و نیرو هائی که پشت سر خود هیچ می کند علیه اهداف خرد بورژوازی و علیه جناح دیگر روحانیت به کار گرفته خواهند شد. و بالاخره بخش دیگری از کسل دستگاه روحانیت یا تکیه بر دم های خود به تدریج به یک جریان سیرنده تاریخی تبدیل شده و حضور مادی خود را در مبارزه طبقات عملاً از دست می دهد. چنین است که دستگاه روحانیت جبراً و بنا بر قانونمندی های حرکت و مبارزه طبقات اجتماعی فی النفسه آستن اشعاب و پراکنده می شود و نه هم گراشی و تمرکز که شرط حاشی شکل گیری و تداوم حیات یک کاست است. خطاست هرگاه تصور کنیم که آرمانخواهی مجموعه روحانیت لزوماً محکوم است در چارچوب دم های بسیار متحجر آن همچون ولایت فقیه باقی بماند. خبر اس دم ها در برابر فشارهای عینی حرکت طبقات شکسته

می شوند و جای واقعی خود را در کشاکش طبقات باز خواهند یافت وقتی امام اعلام می کند فقیه باید ایرانی باشد این خود به مفهوم نفی یکی از ارکان تئوری ولایت فقیه است. این خود بدان معنی است که قشریت به سود واقعیت می شکند و باید بشکند تا پیوند خود را با منافع طبقاتی معین، محفوظ دارد. زیرا ما دیت تاریخی می گوئیم شعور اجتماعی و بطور کلی تمام نهاد های روپائی - هر چند با استقلال نسبی - از پویای تاریخی طبقات اجتماعی پیروی می کنند و نه بالعکس.

حرکات اخیر و جریان اشغال سفارت آمریکا و بطور کلی - تداوم سایش هائی که در پیکساله اخیر چه در تفکر و دیدگاهها و مواضع جناح نیرو های مترقی مذهبی و چه در بخش هائی از نیرو های واپس گرای مذهبی پدید آمده است به وضوح در جهت بازگشت آرمانخواهی حقیقی خرد بورژوازی برواقعیت عینی حرکت تاریخی آنان صورت گرفته است.

ایده های اتوپیک اندیشه گران خرد بورژوازی سرانجام فیلوسوب منافع واقعی خرد بورژوازی خواهد شد و جبراً برواقعیت های دیالکتیکی زمین پایبند می گردد. تنها با توجه به این نحوه نگرش به مساله است که می توان از روند وقایع تاریخ یک ارزیابی علمی و عینی ارائه داد.

مادرا علامه ۱۴ آبان خود در تشریح جریان تسخیر سفارت آمریکا دچار خطای جدی شدیم ما حرکتی را که از جانب این بخش از روحانیت برای تطبیق حرکت خود با منافع واقعی خرد بورژوازی به منظور حفظ موقعیت حاکمیت در برابر لیبرالها و بین توده ها صورت گرفته بود، یک حرکت خود انگیخته توده های قلمداد کردیم. این تصویر تلاش خرد بورژوازی را همان خروش انقلابی توده ها می شمارد و مرز بین آنان و حرکت خود انگیخته توده ای را مشخص می سازد. موضع پرولتاری آن بود که با خط فاصل دقیق و روشن بین این عاملین واقعی حرکت و نیات آنان و خواست زحمتکشان و نیات آنان تصویر روشنی از واقعیت موجود برای توده ها ترسیم می کرد. تنها در چنین صورتی است که پیشگامان پرولتاریا قادر خواهند شد ضمن شرکت فعال در مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی و تعیین آن به دنباله روی از خرد بورژوازی کشیده نشوند.

عدم توجه به این نکته اساسی به زیان جنبش دموکراتیک و ضد امپریالیستی مردم ایران و به زیان پیشبرد و تحقق شعارهای اساسی آن تمام خواهد شد. زیرا "امتزاج فعالیت دموکراتیک طبقه کارگر با دموکراتیسم سایر طبقات و دستجات نیروی جنبش دموکراتیک راضعیف می کند، مبارزه سیاسی راضعیف می کند، قطعیات و نیات آن را کمتر می کند و برای صلح و مصالحه مستعد تری می سازد.

(لنین، وظایف سوسیال دموکراتها در انقلاب دموکراتیک (۱۹۰۵)

بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا ...

در پیرامون وظایف ...

خواست‌های ضد امپریالیستی و دمکراتیک خرد بورژوازی بی توجه باشند در صد برمی آید یا تکیه بر آن، مواضع خود را استحکام بخشند. در این میان وظیفه اساسی انقلابیون است که از موضوع طبقه‌کارگر در صد تبلیغ و ترویج وسیع اهداف انقلاب دمکراتیک توده‌ای برای توده کارگران و زحمتکشان برآیند، منافع طبقاتی‌شان را توضیح دهند و در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی آنان حرکت نمایند. چه آگاهی توده‌ها و شناخت درست آنان از دوستان و دشمنان خود، ضامن تعیین جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک توده‌های میهن ماست. سازمان ما مآذغان دارد که در جمع بندی تجارب خود توده‌ها، هنوز نخستین گام‌ها را برداشته است، با این همه اعتقاد درستی مابیان آن است که از تمامی تجارب خود در جهت پیشبرد جنبش انقلابی خلقهای زحمتکش و ستمدیده ایران باید بیشتر به بهره‌گیری راه عمل آوریم. در این رابطه تاکید داریم که هدف ما در درجه نخست آن است که با توجه به مصالح جنبش کارگری و یافند کاری و ایثار، جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک توده‌های زحمتکش میهن را به پیش رانیم. لنین می‌گوید: "از نقطه نظر پرولتاریا هر مونی در مبارزه به آن کس تعلق می‌یابد که پر شورترین مبارزه را به پیش برد، کسی که هیچ فرصتی را برای مبارزه با ارتجاع از کف ندهد، کسی که حرفش بسا عملش می‌خواند" (پرولتاریا و دمکراسی بورژوازی ۱۹۵۵) ما مصممیم بر خلاف دوستان دروغین طبقه کارگر، به آرمان طبقه کارگر، در راه کسب هر مونی پرولتاریائی به مبارزه‌ای پیگیر و سازش‌ناپذیر با دشمنان انقلاب دمکراتیک توده‌ای به پا خیزیم. لیکن باید بدانیم که این امر تنها با شرکت عملی در مبارزات توده‌ها امکان پذیر است.

در میهن ما کارخانه‌ها و شرکت‌های فراوانی وجود دارد که با سرمایه‌های آمریکایی اداره و کنترل می‌شود. کارگران ایرانی در این شرکت‌ها برای پرداختن به کارهای خود در این شرکت‌ها و شرکت‌های ایرانی، شرکت‌های آمریکایی و سرمایه‌داران آمریکایی و شرکای ایرانی شان مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

(این یعنی حضور و نفوذ امپریالیسم آمریکا در میهن ما)

کارگران و زحمتکشان متحد شوید
و علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته مبارزه کنید

میزبان چریکهای فدائی خلق ایران - ۵۸/۸/۱۲

تنها زمانی که با توده‌ها در آمیزیم، با آنها و در کنار آنها مبارزه نمائیم قادریم به ایجاد وسیعترین ارتباطات توده‌ای خواهیم بود. ما باید با موزیم که "با کارگران و توده‌های میلیونی زحمتکش" تنها در جریان مبارزه زنده‌گی واقعیشان می‌توان ارتباط گرفت. دلیل آن نیز روشن است، مبارزه توده‌ها و توانا ایشان برای ساختن یک زندگی نوین، از درون زندگی و مبارزه کنونی‌شان ما می‌گیرد، ریشه می‌دواند و باور می‌شود. توده‌های زحمتکش در کشاکش زندگی، با تضادهای تناقضاتی دست به گریبانند و تنها زمانی که ما بتوانیم با این مبارزه واقعی در آمیزیم، قادریم بردن آگاهی انقلابی و پرولتاریائی. به میان آن خواهیم بود. هر کسی که تصور کند در یک ارتباط ساختگی، در روالی غیر عادی و غیر مانوس با روال قانونمند مبارزه و زندگی توده‌ها می‌تواند با آنان مفترده‌ترین و واقعی‌ترین رابطه را برقرار کند، با آنها در آمیختن و وظایف انقلابی را که بر عهده داریم، به پیش راند، در خواب و خیال به سرمی‌برد. اولین قدم برای ارتباط با توده‌های مردم بیرون آمدن از رویا و قرار گرفتن به روی زمین است. با توده‌های مردم در کارخانه، در مزرعه، در محله، در بازار، در مدرسه، در دانشگاهها، در ادارات، در کویچه و خیابان، در هر جای که مردم هستند و می‌توان تماس گرفت.

ما از همه شمار فقامی خواهیم با استفاده از تجارب گذشته، در جهت دست‌یابی به صف مستقل پرولتاریائی بهره‌مندی‌های زیره برای شرایط کنونی تنظیم شده است عمل کنید.

۱- به میان توده‌ها بروید و با توجه به موقعیت ذهنی شان اهداف انقلاب دمکراتیک توده‌ای را توضیح دهید.

۲- امپریالیسم و ارتباط آن را با سیستم سرمایه‌داری ایران و اختلاف و فقر و ناداری توده‌ها را به آنها نشان دهید. به مردم بگوئید که آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران است.

۳- خواست‌های اقتصادی و سیاسی‌ای را که کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهر و روستا در اوج جنبش توده‌ای در قیام و پس از آن مطرح می‌کردند و خواستار آن بودند، تبلیغ و ترویج کنید. این خواست‌ها را می‌توانید از اعلامیه‌ها، بیانییه‌ها و روزنامه‌ها، که با یگانگی کرده‌اید، استخراج کنید و با توجه به آخرین مواضع اعلام شده سازمان آنها را انتشار دهید.

۴- علت شکست انقلاب را توضیح دهید. یعنی به کارگران و زحمتکشان بگوئید که اتحاد و تشکیل کارگران و زحمتکشان شهر و روستا

زیر رهبری سازمان سیاسی طبقه کارگر شرط پیروزی انقلاب دمکراتیک توده‌ای است. به کارگران، دهقانان و دیگر قشرهای زحمتکش و تحت ستم بگوئید که تنها با نابودی سرمایه‌داری در ایران امکان‌رهایی واقعی آنها وجود دارد.

۴- بر حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی تاکید کنید، رابطه آن را با مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا بشکافید، کارنامه ۹ ماهه جمهوری اسلامی را به مردم توضیح دهید. به کارگران و زحمتکشان بگوئید که چرا شوراهائی را که از حقوقشان دفاع می‌کرد، متلاشی کردند. به آنها بگوئید که چرا کارگران مومن به منافع توده کارگران را از کارخانه‌ها اخراج کرده‌اند. به دهقانان بگوئید که چرا به مطالبات آنها بی توجه بوده‌اند. به آنها بگوئید که در کردستان چه می‌گذرد و چگونه به خواست‌های خلق کرد پاسخ دادند. به آنها بگوئید که دهقانان و زحمتکشان گنبد چه مطالباتی داشتند و برای دستیابی به آنها چه کرده‌اند؟ و جمهوری اسلامی برای آنها چه کرده است. به هر کسی که گوشه‌ای شنیدند داشت، بگوئید که چرا سازمان‌های انقلابی را آنچنان تحت فشار و در مظان اتهام و تهمت و افترا قرار داده‌اند که نمی‌توانند بطور علنی به توده‌های زحمتکش در راه تحفـــق خواسته‌هایشان باری رسانند. به آنها بگوئید که چرا مطبوعات را فرمایشی کرده‌اند.

۵- آزاد بخوای دروغین بورژوازی لیبرال را برای مردم افشا کنید. از مطبوعاتشان، از شخصیت‌های سیاسی معروف لیبرال، از منافق آنان سخن بگوئید و آنان را افتاور و سوا کنید و به نفع منافع کارگران و زحمتکشان به نقد بشکند. به توده‌های کارگران و زحمتکش بگوئید که سرمایه‌داران و امپریالیسم آمریکا، در شکل‌های تازه در کمین فریبشان نشسته‌اند. دوستان و دشمنان واقعی کارگران و زحمتکشان را معرفی نمائید و به آنها بشناسانید.

۶- به هر وسیله ممکن به ترویج آرمان سازمان، که آرمان طبقه کارگر و همه‌کسانی است که خواهان ایرانی آزاد و دمکراتیک هستند، همت بگذارید و در این راه از خود فداکاری و پیشکارشان دهید. با استفاده از مطبوعات سازمان (اعلامیه‌ها، تراکت‌ها، نشریه‌ها) ترویج و تبلیغ را وسیع‌اکتشر دهید. شعارهای سازمان را بر در دیوار شهر بنویسید. در نوشتن شعارها دقت و امانت ر رعایت کنید. تنها با شعارهای سازمان، امضاء، چریکهای فدائی خلق ایران را بنویسید. متناسب با شناخت زنده و عینی از روحیات و مطالبات توده‌های محل سکونت، شعارهای را که صحیح می‌دانید ابداع کنید. در هر گونه جنبش اعتراضی توده‌ای شرکت کنید و با توده‌های شعارها را اکتشر کنید، برای بردن شعارهای خود به میان توده‌ها، باید شکیبائی فعال داشته باشید.

۷- با برگزاری نمایشگاه‌ها و سخنرانی‌ها بگوئید درک روشنی از امپریالیسم، از طریق افشا، امپریالیسم آمریکا در ایران و سراسر جهان به مردم ارائه دهید. این نمایشگاه‌ها و سخنرانی‌ها را در هر کجا که می‌توانید تشکیل دهید و بیش از این که به تبلیغ برای سازمان بیندیشید به ارتقاء آگاهی توده‌ها فکر کنید. شما تنها برای تمام و آوازه سازمان این نمایشگاه‌ها و اجتماعات را تشکیل نمی‌دهید. شما برای ارتقاء سطح آگاهی توده‌ها و جنبش فاشیستی را به پیش می‌برید از این رو با بدای این تمایل که حتما ضروری است بر انتساب سازمانی خود و نام سازمان تاکید شود، مبارزه کنید و با چنین تمایلی به سود جنبش انقلابی و پرولتاریائی بی‌مهری اصولی به مبارزه برخیزید. انتظار نداشته باشید که آنان و در زمانی کوتاه از جانب توده‌ها پذیرفته شود. این نمایشگاهها و سخنرانی‌ها را تنها در دانشگاهها، محل کار بلکه در محلات و کویچه و خیابان‌ها نیز می‌تواند دایر کنید. چنانچه به نمایشگاهها و سخنرانی‌های شما حمله شد، توده‌ها را به قضاوت بطلبید، مهاجمان را افشا کنید، سوابق آنها را بر ملا سازید.

۸- از کلیه بیانییه‌ها، اعلامیه‌ها و تحلیل‌ها و نوشته‌هایی که به شما در افشا، امپریالیسم آمریکا و توضیح امپریالیسم برای توده‌ها کمک می‌کند، استفاده کنید. از تراکت‌ها و اعلامیه‌های گذشته سازمان و نماز و مقالات روزنامه‌ها که در این زمینه کاری‌آید، مجدداً استفاده و تکثیر کنید. اعلامیه‌ها و تراکت‌های تبلیغی و ترویجی که به دست شما می‌رسد در اسرع وقت تکثیر کنید و به دوستان و رفقای شهرستان‌ها برسانید، منتظر نیاشید که آنها به سراغ شما بیایند.

۹- همه رهنمودهای ذکر شده را بارعایت اکید دستور العمل‌های تشکیلاتی زیر به اجرا در آورید.

الف - آن بخش از رفقای که ارتباط تشکیلاتی با سازمان دارند مکلفند با توجه به شرایط منطقه و وضعیت محلی، رهنمودهای ذکر شده را زیر نظر مسئولین خود به اجرا در آورند. هر رفیقی که با وجود داشتن ارتباط تشکیلاتی منظم، را اقدام به اجرای رهنمودهای داده شده نمایند، به نظم تشکیلاتی آسیب خواهد رساند. بعد از آن بخش از رفقای که فاقد ارتباط تشکیلاتی با سازمان هستند می‌باید با استفاده از تجارب کنونی خود، را خود را در جهت پیشبرد اصولی و تنظیم رهنمودها، سازمان دهند. عدم ارتباط تشکیلاتی با سازمان که ناشی از ناتوانی‌های جبری کنونی جنبش است نباید منجر به انفعال انقلابیون شود.

پرتوان با د جنبش کارگری و پرولتاریائی ایرانی گسترده با د جنبش توده‌ای ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های زحمتکش - ایستاد می‌ایستد. امریکای مرگ بر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم امریکایی نابود می‌شود. بناد نظام سرمایه‌داری وابسته ایران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کانون مستقل معلمان تهران با تصفیه و اخراج معلمان مبارزه می‌کند

کانون مستقل معلمان طی صدور بیانییه‌ای ضمن تشریح دلایل نارسائی ها و کمبودهای اساسی در وزارت آموزش و پرورش، تاکید کرده است که افزایش این کمبودها نتیجه طبیعی سپردن سرنویشت آموزش و پرورش به دست افرادی کفایت و انحصار طلب است. در اعلامیه مذکور توسط آشکار گرداندگان ارتجاعی وزارت آموزش و پرورش علیه آموزگاران مبنی بر تصفیه و اخراج آنها دلایل عقیدتی، افشا و محکوم شده‌و این اقدامات راناشی از سیاست انحصار طلبی و سیاست ضد دمکراتیک چاکمیت ارتجاعی دانسته است. بیانییه می‌افزاید، اینکه یکماه از آغاز سال تحصیلی می‌گذرد، ما شاهد اخراج، تبعید، انتقال اجباری، ممنوعیت تدریس، بازنشستگی اجباری و بیلا تکلیفی گروهی از همکارانمان در تهران و سایر شهرستانها هستیم که صرفاً به دلیل عقیدتی این چنین مورد تهدید قرار گرفته‌اند.

همچنین در این بیانییه اعلام شده است که معلمان قضاوت غیر اصولی آن دسته از مدبرانی را که معلوم نیست به چه دلیل از سوی مراجع انحصار طلب و مراکز قدرت ارتجاعی با اختیارات نامحدود در زمینه اخراج و تصفیه مخالفین سیاسی خویش، اخیراً به مدیریت مدارس و ادارات انتصاب و تجمل شده‌اند، مورد پذیرش قرار داده‌و محکوم می‌نمایند و تنها مرجع صالح برای پرداختن به امر تصفیه انقلابی محیطهای آموزشی را شورای منتخب مدارس می‌دانند. شایان ذکر است که معلمان پیشگام و سایر گروههای آموزشی نیز هر یک به سهم خویش تاکنون در این زمینه به افشاکاری پرداخته‌اند.

چرا مرکز جاسوسی آمریکا

توضیح - منظور ما در اینجا آن بخش از روحانیت است که رهبری آیت‌الله خمینی را پذیرفته و به اشکال مختلف در مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی شرکت نموده است، این بخش از خرد بورژوازی از لحاظ تاریخی منعکس کننده منافع خرد بورژوازی است. در صورتیکه بخش دیگر از روحانیت که در ارازا، پایگاه بورژوازی خود در کنار شاه قرار داشت و بنا بر شعار سرنگونی شاه مخالف بود، از همان آغاز جدا از بخش مورد بحث ما عمل می‌کرد. این بخش از روحانیت حالاً نیز سعی می‌کند با هزار تیرنگ و تزویر خرقه‌آزادگی بخود بپوشاند و ظاهراً خود را دمکرات‌ها بزند تا بدینوسیله بتواند به اهداف امپریالیسم تحقق ببخشد.